

سال دوم دوره دوم

رنجبر

ارگان حزب رنجبران ایران

سه شنبه ۶ خرداد ۵۹ شماره ۵۷ تکشماره ۱۰ ریال

امام خمینی خطاب به نمایندگان مجلس :

همه روی قانون عمل بکنند

جماران نشسته و بهمراه نمایندگان سایر استانها و شهرستانها با یک مشاهدہ اجمالی تابلوئی از نمایندگان را بدست میداد.

قبل از سخنرانی امام خمینی رهبرانقلاب و بنیان گزار جمهوری اسلامی ایران ، آقای فخرالدین حاجی نماینده تهران سخنانی در مدح امام بقیه در صفحه ۲

در آستانه افتتاح مجلس شورای ملی جمهوری اسلامی ایران بیش از ۲۵۰ نفر از نمایندگان اولین مجلس برای آشنائی و معا رفته در ساعت ۱۱ صبح روزیکشنبه در آقامتگاه امام خمینی و درحسینیه جماران گردآمده بودند . چهره های آشنای انتخاباتی شهرتهران و برخی شهرستانهای دیگر در چند نقطه از حسینیه

مجلس باید عرصه جنگ علیه دوا بر قدرت و علیه

بی عدالتی و استبداد باشد

مجلسی که

مردم ما می خواهند

نخستین مجلس نخستین جمهوری تاریخ کهن ملت ما ، سرانجام در روز چهارشنبه ۷ خرداد افتتاح خواهد گردید . این مجلس ، در چه شرایط تشکلا

مبارزه با اعتیاد ، مبارزه با استعمار است

مدتی است که فعالیت هایی برای ریشه کن ساختن اعتیاد آغاز شده است و در روزهای گذشته تعدادی از قاچاقچیان بزرگ مواد مخدر اعدام شده اند .

طبق آمار مقامات دولتی بیش از دومیلیون نفر از هموطنان ما معتاد بمواد مخدر هستند . و این آمار نشان میدهد اعتیاد بمواد مخدر مخصوص قشر خاصی نیست و این بلای خانمانسوز در بین اقشار مختلف نفوذ کرده است . بخصوص در بین زحمتکشان میهن ماتعداد زیادی معتاد یافت می شود .

این رقم بالای تعداد معتادین نیز بخشی از ارتیه شومی است که از رژیم خائن شاه وامپریالیست هابرای ما بجا مانده و توده های مردم مصرا

خواستار حل فوری این مسئله و ریشه کن سازی جدی آن هستند . در حال حاضر که مسئولین دولتی روش سرکوب قاچاقچیان را در پیش گرفته است ، عده ای از نیروها بر رفع زمینه های پیدایش چنین فساداتی که همانا ، فقر و بیکاری و مسکنت است تاکید می گذارند و معتقدند که با توجه به حل این مسائل مسئله ریشه کن سازی اعتیاد قابل اجراء است . بنظر ما اگر چه دولت باید به زمینه های اجتماعی نابودی اعتیاد توجه جدی نماید ، اما مسئله سرکوب قاچاقچیان طراز اول که مستقیم و غیر مستقیم با محافل امپریالیستی بیوندهایی دارند منتفی نیست . در کنار از بین بردن سرچشمه های اجتماعی اعتیاد

می بایست قاطعانه به سرکوب قاچاقچیان مواد مخدر نیز پرداخت و تنها توجه به هر دو جنبه مسئله است که میتواند ما را به حل نهایی این مسئله برساند .

مبارزه اصولی با عاملین مواد مخدر و ریشه های اعتیاد در جامعه ما مبارزه ایست ضد امپریالیستی و در خدمت سلامت و سعادت جامعه و مردم ما و بهمین جهت مورد پشتیبانی مردم و همه نیروهای متعهد و انقلابی قرار دارد .

اما در مورد سرکوب قاچاقچیان باید سیاست تحقیق و بررسی دقیق ، و تفکیک و تمایز را اجرا نمود . باید قاچاقچیان بزرگ را که عده قلیلی بقیه در صفحه ۲

فئودالها میگویند : خرمنها را با کبریت درو خواهیم کرد

ملاکان خرمین سوز را بشدت مجازات کنید

و خرمین سوزی ملاکان علیه دهقانان ستمدیده در گرگان و مناطق روستایی گنبد دیده میشود .

در این مناطق ، جنین بزرگ روستائیان برای اصلاحات و تقسیم اراضی همراه با موج بزرگ مبارزات انقلابی علیه رژیم شاه مخلوع ، بخصوص در آخرین ماههای حکومت

ننگین پهلوی براه افتاد و دستاورد های مهمی ببار آورد . در دوران حکومت ۹ ماهه دولت بازرگان ، این جنینش به دلیل خیره سر شدن ملاکان که ناشی از سیاست محافظه کارانه حکومت بازرگان بود ، اندکی فروکش کرد ، لکن پس از حکومت بازرگان مجددا جنینش روبه گسترش و اوج گیری نهاد . زمین ها میان زحمتکشان روستایی بومی و غیر بومی تقسیم شد .

طبق گزارشات خبرنگاران رنجبر ، حتی تراکتورهای نیز تقسیم شده است ، بطوریکه شور و شوق بزرگی در میان دهقانان در حمایت بسد در صفحه ۲

ستمدیده روا میگردد . این آتش سوزی ها بطور عمده از جانب عوامل زمینداران بزرگ که روستائیان ستمدیده اجازه برداشت حاصل کار خود را به آنها نمیدهند ، صورت میگیرد . مقابله آنها با خواست محقانه توده های دهقانی آنها را در صف ضد انقلاب جای میدهد و عوامل مستقیم ابر قدرت ها نیز از آتشی که آنها می افروزند به سود تشدید آشفنگی ها بهره برداری میکنند .

یک نمونه بارز مبارزه طبقاتی دهقانان علیه ملاکان غدار و توطئه ها

با نزدیک شدن فصل برداشت در مناطق روستایی کشور ، اخبار و گزارشات راجع به خرمین سوزی از مصیبت بارترین اخبار است : " صد خرمین گندم به آتش کشیده شد " (جمهوری اسلامی ، یکشنبه ۲۸ اردیبهشت) ، " ۱۲ هکتار مزرعه گندم در مسمی به آتش کشیده شد " (بامداد ۳۱ اردیبهشت) در شرایط مبارزه حادی که بامپریالیسم برای بی اثر کردن فشار تحریم اقتصادی آمریکا در پیش داریم ، هر خوسه گندم که طعمه حریق میشود جنایتی است که بر این ملت

نامه يك کارگر :

ما می خواهیم بیشتر کار کنیم تا وابسته به

روس و آمریکا نباشیم

باشکم گر سینه نمی شود

تولد را بالاد

تئوری سه جهان

در صفحه ۴

مصاحبه با گروه انقلابی

خلقهای

افغانستان

در صفحه ۴

روسها از افغانستان خارج نمیشوند

سوسیال سامپریالیسم شوروی هر روز بیشتر چهره گریه و جنتیکار خود را می نمایاند . " براودا " ارگان فاشیستهای روسی نوشته است که تنها " راه حل " مسئله افغانستان از بین رفتن حضور نظامی امپریالیسم آمریکا در منطقه اقیانوس هند است .

روسیه که تا چندی پیش تلاش میکرد تجاوز خود به افغانستان را زیر پوشش " دفاع " از این کشور در برابر دخالت آمریکا پنهان کند و عدم دخالت آمریکا در افغانستان را شرط خروج نیروهای خود از افغانستان قرارداده بود ، اکنون خروج نیروهای آمریکایی از بینه اقیانوس هند و در واقع حضور بلا مانع خود در این منطقه را مطرح ساخته و بروشنی نشان میدهد که هدف از اشغال

بقد در صفحه ۲

چهارشنبه ۷ خرداد افتتاح خواهد کردید. این مجلس در چه شرایطی تشکیل میشود و چگونه خواهد توانست پاسخگوی خواست دیرینه ملت ما گردد؟

این مجلس در شرایطی برگزار میگردد که جدالهای درونی جناحهای مختلف هیأت حاکمه شدت وحدت خاصی یافته است و بیم آن میرود که: اولاً، مجلس به محل زد و خورد جناح ها و تسویه حسابهای خصوصی تبدیل گردد و نیازهای اساسی جامعه و ملت در آن به دست فراموشی سپرده شود. و ثانیاً، مجلس بجای اینکه مرکز اراده و حاکمیت ملی باشد به قطب قدرت جدیدی در برابر قوه مجریه تبدیل گردد. در این صورت، تشکیل مجلس نه تنها مشکلی را حل نکرده، بلکه به مشکلات افزوده و قوز بالای قوز خواهد شد.

بهمین خاطر، رهنمودهای موکد امام به نمایندگان مجلس در حسینیه چماران در مورد ضرورت طرح مسائل ملت و کشور در مجلس و احتراز از جنگ اغراض شخصی و گروهی و همکاری دولت و مجلس، اهمیت ویژه ای می یابد. آنچه مسلم است، این رهنمودهای امام بیان خواست شدید توده های مردم ما است، توده هایی که هرگز تحمل نخواهند کرد مجلس منتخب آنها تبدیل به میدان کارزارهای گروهی دستجات و جناح های حاکم شود. بر عکس مردم ما مصرا نه از نمایندگان خود در مجلس خواهند خواست که به مسائل و نیازهای اساسی مملکت در زمینه های استقلال، دموکراسی و عدالت اجتماعی پاسخ گویند. این نیازهای اساسی کدامند؟

— در زمینه استقلال: همانطور که همیشه گفته ایم و همانطور که امام نیز در آستانه نخستین دوره انتخابات مجلس تاکید فرمودند، مجلس باید نسه شرقی نه غربی باشد. مجلس شورای ملی جمهوری اسلامی باید عرصه جنگ ملت ما علیه دوا بر قدرت جهان خوار آمریکا و شوروی باشد و نه تنها علیه آمریکا. کسانی که میخواهند جنگ با آمریکا را فقط با آمریکا را موضوع مباحثات مجلس در زمینه سیاست خارجی کنند و احياناً این جنگ را، که جنگی وسیع و همه جانبه است، به مساله گروگانها خلاصه سازند، باید از هم اکنون بدانند با مقاومت مردم ما که خواهان سیاست نه شرقی نه غربی هستند مواجه خواهند شد.

— در زمینه عدالت اجتماعی: نمایندگان منتخب مردم باید به نارضایی هایی که در میان توده ها در ارتباط با مسایل و مشکلات عدیده و روز افزون اقتصادی — اجتماعی (بیکاری، گرانی، بیسوادی، بیماری...) موجود است و در اثر عدم توجه و عدم توانایی مسئولین مردم فزونی میگردد، اکتفا و دقیقاً توجه کنند و در جهت حل جدی و فوری این نارضایی ها، به دولت برای برداشتن قدمهای موثر یاری رسانند. مردم ما علیرغم دلسردی هایی که در آنان ایجاد شده، همچنان در مجموع حاضر به فداکاری برای انقلاب هستند. لیکن این فداکاری ها حدی دارد. برای حفظ استقلال کشور و تحکیم جمهوری اسلامی باید خواسته های مادی و رفاهی مردم را برآورده ساخت.

در زمینه دموکراسی: همانطور که بارها گفته ایم، باید به هرج و مرج خاتمه داد و حکومت قانون را، قانون اساسی ای که ملت ما به تصویب رسانده است، برقرار ساخت. آنچه اکنون برقرار است، دموکراسی نیست، هرج و مرج است و هیچ تضمینی برای رعایت قانون و دموکراسی موجود نیست. همانطور که امام خمینی تصریح نموده اند: باید همه روی قانون عمل کنند. مجلس باید به قوه مجریه در برقراری نظم انقلابی کمک کند و در جهت تحکیم دموکراسی و نظم و در تطابق با قانون اساسی، قانون گذاری نماید. مجلس باید به خود کامگی های فردی و گروهی خاتمه دهد و خود نمونه الگوی نظم انقلابی در جامعه و تبعیت اقلیت از اکثریت گردد.

تنها یک مجلس ضد دوا بر قدرت که در جهت پاسخگویی به نیازهای توده ها و اجرای عدالت اجتماعی و تحکیم و تضمین دموکراسی حرکت کند، قادر خواهد بود از پشتیبانی هر چه بیشتر توده های مردم برخوردار شود. با این امید، ما برای نخستین مجلس شورای ملی جمهوری اسلامی آرزوی موفقیت و پیروزی می کنیم.

قانون جدید کار

در صفحه ۳

دوستان عزیز روزنامه رنجبر، من کارگر خدمات عمومی هواپیمائی ملی ایران (هما) قسمت ساختمانی هستم.

غرض از نوشتن این نامه درد و دل کردن با شماست و اینکه از طریق روزنامه خود مشکل ما را بگوش همه مردم برسانید. و اینکه چرا برای روزنامه رنجبر مینویسم، باید بگویم دوستان بنظر من روزنامه رنجبر برآستی ادا کننده حق انقلاب شکوهمند ما بوده و هست روزنامه رنجبر با شعار، استقلال آزادی، عدالت اجتماعی ادا نموده رنده راه شهدای استقلال و آزادی میهن ما است.

دوستان عزیز ما کارگران کار میکنیم که تولید ما بیشتر شود. کار میکنیم که دیگر مجبور نباشیم که یا از آمریکا بگیریم یا از روس بگیریم کار میکنیم چون ایران عزیز را دوست داریم و

این خون علی است که در شط تاریخ جاریست

فردا سالروز ولادت علی بن ابی طالب امام اول شیعیان جهان است. ما این روز بزرگ را به ملت بزرگ خود و به همه مسلمانان مبارز و پیروان مکتب علی تبریک میگوئیم.

علی پس از خدیجه همسر پیامبر اولین کسی بود که دعوت پیامبر را به اسلام پذیرفت.

اندیشه علی و آرمان عدالت خواهانه اش آنقدر رفیع و آنقدر گیرا است که هنوز پس از گذشت قرن ها خاطر هاش در سینه میلیونها مسلمان جهان شور می افکند.

علی مظهر مبارزه برای تحقق آرمانهای اسلام و نمونه کامل یک مسلمان واقعی است.

"حکومت عدل علی" تجسم واقعی آرمان اسلام مبارز بقیه در صفحه ۲

برای استقلالش خون داده ایم و می خواهیم آنرا حفظ کنیم. ولی آیا شکم گرسنه میشود تولید را بالا برد آیا با اینکه مریض هستیم، خانواده ما مریض هستند و دنبال یک خانه خالی برای اجاره سه ماه باید دوید و هزار مشکل دیگر میتوانیم تولید را بالا ببریم. چرا مسئولین بوضع ما کارگران رسیدگی نمیکنند، چرا ما کارگران فقط بعنوان وسیله نگاه میکنند که فقط باید کار کنیم مثل یک ماشین و شاید هم بدتر چون ماشین اگر بنزین نداشته باشد کار نمیکند ولی ما گرسنه مجبوریم کار کنیم! یعنی ما فقط باید انقلاب کنیم و تمام شد، خون بدهیم زندگی عمان باشد که بوده شاید هم مشکل تر از لحاظ رفاهی؟

دوستان حقوق ما روزانه ۵۶۷ ریال است یعنی ۱۷۰۰ تومان، ماهانه ۱۰٪ بیمه و مالیات از ما کسر میشود (البته بیمه میگویم اشتباه است باید بگویم برای ماهی ۱۰ تا قرص گچی پول بیمه کم میکنند اگر قبول ندارید به درما نگاههای بیمه مراجعه کنید و ببینید چه میگردد). یعنی ما با حدود ۱۷۰۰ تومان ماهانه (البته با حق مسکن این مقدار میشود) باید چند نفر را بگردانیم دوستان بعضی از کارگران ما مجبورند با این حقوق ۷ نفر را سیر کنند آیا این انصاف است پس این عدالت اجتماعی که راديو ميگويد گجاست تازه بايد گفت كه برنج معمولي كيلوتي ۱۲۰ ریال است نان كيلوتي ۴۰ ریال و گوشت كيلوتي ۴۵ ریال حال خودتان حساب کنید. بهر حال کارگرانی در قسمت ما مشغول بکارند که ۱۷ سال سابقه کار در این قسمت را دارند ولی هنوز استخدام رسمی نشده اند (اگر استخدام رسمی باشیم از برای هواپیمائی حق مسکن بیشتر، قوی العاده و... استفاده میکنیم) و هواپیمائی میگوید شما تابع قانون وزارت کار هستید! ما قبول میکنیم باشد ولی حالا که وزارت کار حداقل حقوق ۶۳۵ ریال روزانه اعلام کرده است اینها آزادان این اضافه حقوق قانونی ظفره میروند آخرباید به که شکایت کنیم خود ۶۳۵ ریال که وزارت کار تصویب کرده است غیر عادلانه است آخر با ۶۳۵ ریال روزانه چگونه میتوان ۸ نفر را سیر کرد، لباس خرید، درمان کرد، و هزار خرج دیگر. تازه وزارت کار این حق را تصویب کرده حالا کارفرما نمیدهد بقیه در صفحه ۲



تا آخرین نفر و تا آخرین فشنگ می جنگیم

در صفحه ۵

در حاشیه گردهمایی انقلاب فرهنگی در قم برای انقلاب فرهنگی لازم نیست دانشگاهها را به تعطیل بکشانیم

گردهمایی انقلاب فرهنگی در حوزه علمیه قم روز چهارشنبه ۳۱ اردیبهشت ماه آغاز و روز جمعه دوم خرداد با انتشار قطعنامه‌ای به پایان رسید. در قطعنامه این سمینار به دو مسئله مهم برخورد شده است که دارای اهمیت بسیار زیادی است: در قطعنامه بر روی از بین بردن فرهنگ استعماری و امپریالیستی که وسیله‌ای برای حفظ و تداوم غارت ملل مستضعف است و بر روی ضرورت وحدت دانشگاهیان و روحانیون تاکید شده و طرح سمینار بعنوان اولین قدم در جهت رفع جدائی بین روحانی و دانشگاهی مشخص گردیده است. توجه به این دو امر همانطور که همواره در زمینه‌های مختلف فعالیت‌های مبارزاتی خلق ما مطرح بوده از جنبه‌های مثبت و ارزنده این گردهمایی میباشد.

گونه زمینه‌سازی و برقراری کنکور قبل از تهیه شدن طرح آموزش اسلامی از نظر ما مانع تحقق آرمانهای فوق میباشد. بنظر ما بستن دانشگاهها شیوه درستی برای پیشبرد انقلاب فرهنگی نیست. اگر قرار است طرحی در مورد دانشگاهها و وضع دانشجویان و... تدوین شود، دانشجویان که طبق آمار موجود حدود ۲۵۰ هزار نفر هستند و در چندین سال گذشته به مثابه قشر فعالی از جامعه به مبارزه علیه امپریالیسم و عمالش برخاسته‌اند (البته بجز عده‌ای ناچیز که به صورت عوامل دو ابرقدرت مبلغ فرهنگ انقیاد هستند) باید در این تصمیم‌گیری و تدوین طرح آموزشی شرکت داشته باشند. ضرورت شرکت وسیع دانشجویان و اساتید در انقلاب فرهنگی نه تنها تعطیل دانشگاهها را نمیرساند بلکه ایجاب میکند که دانشگاهها باز باشند تا دانشجویان در محیطی دمکراتیک به بحث و مشورت آزاد بپردازند و راه حل درست و اساسی را پیدا کنند. علاوه بر این بستن دانشگاهها در این مرحله که احتیاج به پزشک و متخصص و... برای فرستادن به روستاها و شهرها و مراکز تولیدی و صنعتی داریم، نه تنها کمکی به تامین رفاه خلق و پیشبرد امر تولید در مبارزه ضد امپریالیستی نمیکند، بلکه به تعداد بیکاران جامعه میافزاید که در کل به مبارزه ضد امپریالیستی که اساس انقلاب فرهنگی نیز بوده لطمه شدیدی وارد می‌آورد.

در بخش دیگری از قطعنامه آمده "این مراکز (دانشگاهها) باید از

روسها از ...

افغانستان بشوری بسوی آبهای گرم اقیانوس هند و کنترل خلیج فارس بوده است. موضعگیری "پراودا" با وضوح تمام بخش مهمی از رقابت دیوانه‌وار دوا بر قدرت امپریالیستی آمریکا و روسیه را بر سر سلطه بر جهان نشان میدهد. روسیه اکنون با وقاحت و قلدری فاشیستهای سلطه جو اعلام میکند که حضور نظامی آمریکا در اقیانوس هند، لاجرم حضور وسیعتر نیروهای روسی در این منطقه را به دنبال داشته و تنها راه چاره "عقب نشینی رقیب و واگذاری این عرصه به روسیه است. از آنجا که امپریالیسم آمریکا با جنگ و دندان تلاش میکند تا در اقیانوس هند و خلیج فارس که برای اهمیت حیاتی دارند، حضور نظامی خود را حفظ نماید، باید همچنان در انتظار ادامه و تشدید رقابت‌های این دو جنایتکار بزرگ و اغتشاش‌ها، تجاوزات نظامی و توطئه‌های ایندو و بویژه روسیه تجاوز کار در منطقه باشیم.

روشن است که بار نتایج فاجعه انگیز این رقابت، بدوش خلق ها و کشورهای منطقه قرار دارد و این خلقها و کشورها هستند که برای دفاع از استقلال، حاکمیت ملی و تمامیت ارضی خود باید دست به مقاومت بزنند و متحدان علیه تجاوزات، دخالت‌ها و توطئه‌های روسیه و آمریکا به مبارزه برخیزند.

موضعگیری امپریالیست های روسی بخوبی نشان میدهد که آنها نه تنها قصد خارج شدن از افغانستان را ندارند بلکه با تلاش برای سرکوب مبارزه مردم و تهدید و ارباب کشور های جهان بمنظور جلوگیری از پشتیبانی عمومی از خلق افغانستان، قصد دارد موقعیت خود را در افغانستان تحکیم بخشیده و حرکت تجاوزی خود را بسوی جنوب ادامه دهد. کلیه "پیشنهادهای" عوام فریبانه مسکو تنها زمینه‌های تبلیغاتی و دروغینی برای پیشبرد این نقشه میباشد.

موضعگیری "پراودا" تجربه دیگریست برای نشان دادن خطرات سیاست مداران روسیه در برابر روسیه تجاوزگر. مداران روسی نه تنها زمینه خروج روسها از افغانستان را فراهم نساخته، بلکه اشتباهی خرس قطعی را زیادتر کرده است و اگر این سیاست ادامه یابد، طمع روسها از پایگاه آمریکایی "دیپگوتارسیا" هم فراتر

ملاکان خرمن سوز ...

از دولت و دادستان انقلاب اسلامی گرگان که در این اصلاحات ارضی نقش فعال داشته بوجود آمده است. در برابر این اقدامات انقلابی دهقانان و دادستان انقلاب، فتوادلها و ملاکان غدار محلی که منافع خود را ساخت در خطر می بینند کارزار وحشیانه‌ای را علیه دهقانان آغاز کرده و با خشونت هرچه تمامتر به پیش میبرند. در تمامی دوران پس از انقلاب، ملاکین بزرگ و گردن کش منطقه برای برقراری مجدد سلطه خویش بر دهقانان رنج کشیده، دست به هر جنایتی زدند. آنان در فصل کشت، زمین های دهقانان را با آب لگد کوب کردند به روستاها و روستائیان حملات مسلحانه و شبانه کردند و به بهانه های مختلف دهقانان زحمتکش منطقه را در مقابل یکدیگر علم کردند با برقراری آرامش پس از جنگهای مالکین بزرگ و غاصب، دوباره جنبش تقسیم زمین و کشت و کار آغاز شد. ولی هنوز مدت زیادی از ختم جنگ در گنبد نگذشته بود که بنا برشاهد و قرائن بشار، فتوادلها و جنگ آفرزان به تجدید سازماندهی خود پرداختند. آنها خیال دارند تا کشت روستائیان را که آماده برداشت است به آتش بکشند. این عناصر بلید و دد صفت، وقاحت و خیره سری را به جایی رسانده‌اند که خطاب به دهقانان در اعلامیه‌ای گفته‌اند: "ما اسال خرمن ها را با کبریت درو خواهیم کرد."

باشکم گرسنه ...

و بهانه‌های قلبی می‌آورد و تا حالا که یکجا میگذرد هر روز به این بیانه‌ها که امضاء شده شاید ندهند، شاید مالی تصویب نکند، شاید مدیرعامل قبول نکند، مار سرگردانده‌اند. در حدود ۶۰٪ از کارگران مالزدهات به تهران آمده‌اند و کارگران فعلی هستند و همانجا در کارگاه‌ها شپها میخوابند که برای اینهم هزارا کال بوجود می‌آورند که نباید اینجا بمانند.

خواستهای ما کارگران ساختمانی هوابمایی ملی رسیدگی فوری بوضع حقوق و مزایای ما و اینکه چرا کارفرما حداقل حقوق وزارت کار را که خود غیر عادلانه است به ما پرداخت نمیکند رسیدگی بوضع بیمه کارگران باید به همه کارگران بیمه خدمات درمانی تعلق بگیرد نه اینکه با دفترچه

لکن توده‌های ستمدیده و انقلابی دهقان در گرگان و کتیبند هوشیارند و اداسهای خود را برای بریدن دست تجاوزگر ملاکان تیز میکنند. از سوی دیگر، دادستان انقلاب اسلامی گرگان حجت الاسلام علیرضا بزرگ‌طی اعلامیه پر شور و رزمنده‌ای دهقانان را به مقابله با فتوادلها تشجیع کرده است. در این اعلامیه از جمله میخوانیم: "اگر قدرت جنایتکار آمریکا و روسیه تجاوزگر... و عمال مزدور داخلی آنها قصد آتش سوزی و تخریب محصول گندم و جو را دارند... طاعون‌تپان سابق میخواهند باضربه زدن به تولید ایران را همچنان در زنجیر وابستگی نگهدارند. بر شما مستضعفین واقعی است که... از محصول گندم و جو محافظت کنید." دهقانان سراسر کشور باید از دهقانان مبارز و هوشیار گرگان و منطقه گنبد درس بگیرند. آنها باید سلطه ملاکان قدرتمند را از سر خود کم کنند و در برابر تجاوزات آنها مشکل شوند. دهقانان باید خوداز کشت خویش، از خوشه‌های گندم و جو محافظت کنند و با ایجاد کمیته های حفاظت و پاسداری و با کمک و همیاری مسئولین صدیق مملکتی در محل و نهادهایی مانند سپاه پاسداران، منجوزین را بطور جمعی و متشکل سرکوب نمایند. مسئولین مملکتی کشور نیز باید قاطعانه در کنار توده‌ها بایستند و از حقوق آنها در برابر عمال ابر قدرتها و جرنومه‌های طاغوت دفاع نمایند و فتوادل‌های قدرتمند و خرمن سوز را به شدت مجازات کنند.

این خون ...

است. علی آموزگار بشریت در شیوه حکومت و توجه به ستمدیدگان است. در زمان ستمدیدگان است. در زمان علی هم بودند کسانی که زیر پرچم اسلام بدعوی ادامه راه محمد و تحقق اسلام راستین پایه‌های حکومت جهانی بنی‌امیه و بنی‌عباس را بی میریختند. علی زندگیش همانقدر پر شکوه بود که شهادتش. خون سرخ علی در تمامی شط تاریخ جاری است. شط تاریخ را، اما این ستمدیدگانند که نگاه نظاره‌گری راستین اندو ادامه دهنده، و درست بهمین دلیل است که علی امروز هم بسبب

حزب رنجبران ایران بخش ساری:

دانشجویان اخراجی باید به کلاسها برگردند

بعلت اخراج ۷۱ نفر از دانشجویان دانشسرای راهنمایی تحصیلی شهرستان ساری بجرم داشتن عقاید مخالف و یا "چپ" و تحمسن این دانشجویان و همچنین به علت حاکمیت سیاست انحصارطلبانه بر آموزش و پرورش این استان، حزب رنجبران ایران (بخش ساری) اعلامیه‌ای در دفاع از دانشجویان و محکوم نمودن انحصارطلبی انتشار داده است. متن این اعلامیه باین شرح است:

از روز چهارشنبه ۲۱/۲/۵۹ عده‌ای از دانشجویان دانشسرای راهنمایی تحصیلی شهرستان ساری برای اعتراض به اخراج ۷۱ نفر از دانشجویان این دانشسرا در جلوی اداره کل آموزش و پرورش استان مازندران تجمع کرده و خواستار رسیدگی به وضع خود شدند. مدیر کل آموزش و پرورش به دانشجویان جواب داده است که: "این مساله ربطی به من ندارد و باید با وزیر آموزش و پرورش و معاون ایشان تماس بگیرید." تا این تاریخ هنوز پاسخ مثبتی به دانشجویان داده نشده و آنها سرگردان و بلاتکلیف میباشند.

حزب رنجبران ایران (بخش ساری) بنا بر وظیفه خود که همانا دفاع از استقلال، آزادی و عدالت اجتماعی میباشد و بخاطر اعتراض به حرکات انحصار طلبانه در محدود نمودن آزادی های دمکراتیک، از مسئولین امر میخواهد تا هر چه سریعتر به خواسته‌های محقانه دانشجویان که همانا بازگشت به ادامه تحصیل میباشد، پاسخ مثبت دهد.

آموزشی را از دانشجویان، آموزگاران و اساتید صرف داشتن افکار غیراسلامی تصفیه کنند؟

بنظر ما محتوی انقلاب فرهنگی باید با بسیج توده‌ها برای طرد افکار امپریالیستی و سوسیال امپریالیستی و فتوای و در جهت رشد و شکوفائی فرهنگ سنتی و ملی و احترام به عقاید دیرپای اسلامی و ایجاد سیستم آموزش برای برطرف کردن نیازهای فنی و علمی کشور باشد.

یا در قسمت دیگر قطعنامه راجع به نظام آموزشی دانشگاهها و شیوه پیاده کردن انقلاب فرهنگی چنین می‌آید: "تأیید شده است ارزشهای فرهنگی اسلامی در رابطه با نظام آموزشی دانشگاهی لازم است کلیه دانشگاهها تعطیل بوده و هر

و ایستگان به رژیم شاهنشاهی و پیرسیردگان شرق و غرب و توطئه‌گران علیه انقلاب اسلامی تصفیه شوند." این امر خوبی است که ضدانقلابیها و عناصر وابسته تصفیه شوند، اما باید معیار و ملاکی دقیق برای انجام این کار تعیین شود. نباید هر کسی را که انحرافی به شرق یا غرب داشت سرکوب و تصفیه کرد، بلکه باید محیطی ایجاد نمود تا با کار توضیحی و اقناعی و با افشاکاری این افراد به حقیقت پی ببرند. و فقط آن کسانی تصفیه شوند که وابستگی آنها محرز و دلیل و مدرک کافی موجود باشد. ما معتقدیم که هرگونه تحول ریشه‌ای و انقلابی با توجه به وحدت و وسیع خلق امکان پذیر خواهد شد.

خواهد رفت.

برای مقابله با ابرقدرت تبهکار و سلطه جویی چون روسیه، راهی جز مبارزه قاطع و سیاست مشت در مقابل مشت وجود ندارد.

مبارزه با...

هستند از دست دومی‌ها جدا کرد و حکم اعدام را در مورد تعداد بسیار قلیل قاچاقچیان و سازندگان و توزیع کنندگان عمده اجرا نمود و در مورد بقیه مجازات خفیف تر تعیین نمود. همچنین باید جنبشی در میان توده‌ها بوجود آورد و پرونده امر را وسیعاً در اختیار آگاهی توده‌ها گذاشت تا حقانیت این مبارزه بیشتر عیان شود. به هیچ وجه شک و تردید و بدگمانی در میان مردم نسبت به درستی احکام اعدام پیش نیاید.

اجماعی فقط مجبور باشند، زدرمانند. ههای بیمه استفاده کنند و قرصهای گچی دریافت کنند ۳ رسیدگی بوضع ایمنی کارگاهها، لباس کار کفش و دستکش و کلاه ایمنی برای کلیه کارگران. ۴ رسیدگی بوضع استخدامی کارگران. دستان رنجبر امیدوارم شما که مدافعین حقیقی کارگران هستید این نامه را چاپ کنید، دوستان ما ضد انقلاب نیستیم ما می‌خواهیم بیشترکار کنیم و تولید ایران را بالا ببریم تا واسه به روس و آمریکا نباشیم، ما خون داده‌ایم انقلاب کرده‌ایم تا به خواسته‌هایمان جواب داده شوند. اینک وقتی اعتراض میکنیم در کارگاه بگویند ضد انقلاب.

در آخر امیدوارم سلامت باشید تا همچنان در دفاع از استقلال ایران قاطع قدم بردارید.

ش-الف
۱۳۵۹/۳/۱

از ۱۵ قرن در جنب سرخ ملت ما می‌تپید. همانسان که پس از شهادت علی، ستم‌دیدگان به خوتخواهیش بر ستمگران شوریدند و می‌شورند.

وقتی خلق ما برای انقلاب بیا خاست مساجد از علی میگفتند و سرردم در خیابان فریاد میکردند: ما دین علی خواهیم، پهلوی نمی‌خواهیم. چرا که علی، در مقابل پهلوی، تجلی عدالتخواهی و نمود عملی آرمان زحمتکشان در بسا مردم بود.

امروز نیز که خلق ایران مصمم است تا مبارزه برای استقلال از دوا بر قدرت را پیگیرانه و سرسختانه ادامه دهد، بیهوده نیست که فریاد برمی‌کشد: "نسه آمریکا، نه شوروی، حکومت عدل علی".

حرب رنجبران معتقد است که باید شدیداً از اینگونه حرکات خودسرانه و انحصار طلبانه جلوگیری بعمل آید تا حربهای بدست ابرقدرت‌های شرق و غرب و عوامل داخلی آنها ندهد که با سوار شدن بر این نارضایتها علیه انقلاب و استقلال میهن ما توطئه‌چینی نمایند.

ما در عین اینکه مخالف هرگونه اخلاص و هوج و مرج در مراکز آموزشی می‌باشیم ولی مخالفت قاطع و شدید خود را با اخراج دانشجویان صرف داشتن عقیده و یا نظری مخالف، اعلام میداریم.

حزب رنجبران ایران
بخش ساری
۵۹/۳/۴

همه روی...

خمینی ایراد کرد و سپس رهبر انقلاب هما نند همیشه با بیان قاطع و وحدت طلبانه خود بیه حسینیه گرمی بخشید و نمایندگان مجلس را برای انجام وظایفی که مردم با آنها محول کرده‌اند بوحودت و همکاری دعوت نمود. اما خمینی ضمن اشاره به سخنرانی آقای حجازی گفتند: "من خوف این را دارم که مطالبی که آقای حجازی فرمودند درباره من با ورم بیاید، من خوف این را دارم که با این فرمایشات ایشان و امثال ایشان برای من یک غرور و انحطاطی پیش بیاید، من بخدای تبارک و تعالی پناه می‌برم از غرور. من اگر برای خودم نسبت به سایر انسانها مرتبتي قائل باشم، این انحطاط فکری است و انحطاط روحی. من در عین حال که از آقای حجازی تقدیر میکنم که ناطق برومندی است و متعهد، لکن گله میکنم که در حضور من مسائلی که ممکن است من با ورم بیاید، میگویند."

اما خمینی خطاب به نمایندگان مجلس همه آنها را

به پیروی از قانون اساسی دعوت کرده و افزودند: "همه روی قانون عمل کنید. این قانونی که ملت برایش رای داده است برای آن نیست که توی تا قچه بگذارد و کاری به آن نداشته باشد و بیزوید مشغول کنار خودتان بشوید. همه حدود را قانون معین میکند، قانون برای مجلس حدود معین کرده، تخلف از این حدود نشود. برای رئیس جمهور حدود قرار داده‌انهم، تخلف نکنند. برای نخست وزیر و امثال اینها، آنها هم نباید خارج شوند..."

با یاد آنچه دلخواه ملت است در مجلس مطرح بشود

اما خمینی در ادامه سخنان خود در مورد مجلس شورای ملی و وظایف نمایندگان مجلس در مقابل انقلاب و مردم افزودند: "من در بعضی مجالس زمان رضا خان در مجلس رفتم بعنوان یک تماشاگر و مجلس دیگری هم که از زمان تا اخیر بوده است شنیده‌ام، آنجائی که من دیده‌ام مجلس، مجلس شورای انبوده است. مجلس، مبارزه

بین افراد در آلمان خودشان بود. جنگ و نزاع بود. حتی بعضی اشخاص که اشخاص صحیحی بودند در خارج از مجلس حدود را حفظ میکردند در مجلس که وارد میشدند به اینکه نظیر آنهایی دیگری که بطور غیر اسلامی رفتار میکردند، گاهی هم بعضی از آنها منحرف بشوند. مجلس شورای اسلامی، مجلس مشورت است. مجلسی است که باید متفکرین، آقاییان، مسائلی که ما محتاج ملت است و کشور است در میان بگذارد و با هم مشورت کنند، مباحثه کنند. فقط چیزهائی که مربوط به ملت است و به اسلام، مجلس شورای اسلامی که شما آقاییان و کیل هستید از طرف ملت برای خدمت در آن نگاه، با یاد آنچه دلخواه ملت هست در آنجا طرح بشود و آنچه دلخواه اسلام است، بحث و مشورت بشود و به ترتیبی که مقرر است تصویب شود و همه چیزش اسلامی باشد."

باید اغراض شخصی را کنار بگذاریم

اما خمینی سپس خطاب به نمایندگان مجلس بطور

قاطعانه اعلام کردند که: "اغراض شخصی را با یاد همه ما کنار بگذاریم. فرضا" که من بسا شما خدای ناخواسته یک حساب خورده‌ام این در مجلس نباید، در مجلسی که اسلامی است نباید به این خورده حسابها رسید... اگر بنا باشد که خدای ناخواسته از اول صف آراشی شود برای جنگ اعصاب و آن مجالسی که فرضا" طاغوت بود، آن مجلس با محتوایش تکرار شود... شما وکیل نیستید که بروید آنجا بنشینید و حسابهائی که خودتان با هم دارید صاف کنید. اگر یک چنین کاری بشود این انحراف است و آن محل برای شما غصب است."

اگر مجلس ورثیس جمهور همدیگر را تضعیف میکنند یک جرم بزرگی است

اما خمینی در مورد اهمیت و وظایف مجلس و دولت افزودند که: "مرکز همه قانونها و قدرتها مجلس است. مجلس هدایت میکند همه را و باید بکند. اما بنا بر این نباید شد که مجلس، دولت را ضعیف کند و بنا بر این هم نباید شد که

دولت مجلس را ضعیف کند... اگر رئیس دولت، رئیس جمهور، تضعیف کند مجلس را، خودش قبل از مجلس سقوط میکند و اگر مجلس تضعیف کند دولت ورثیس جمهور را، خودش هم تضعیف می‌شوند. اگر چنانچه در یک وقتی یک چنین مطلبی واقع بشود آنهم یک جرم است. امروز این مسئله جرم بسیار بزرگی است."

نبا بدگول ابرقدرت‌های شرق و غرب را بخورید

اما خمینی در دنباله سخنان خود توطئه‌های دوا بر قدرت و نقش مخرب آنها در سازمانهای مختلف بین المللی افزودند: "این مجلس‌های گذا که در دنیا درست شده است بدست قدرتمندان درست شده. ولها قدرتمندان حق و توست دارند. اینها هم بازی است برای بلعیدن ماها. این یک مانور سیاسی است که میخواهند با آن ماها را اغفال کنند و ماها را ببلعند. شما نباید گول اینها را بخورید و باید تحت تأثیر نه شرقی‌ها واقع بشوید و نه غربی‌ها..."

رنجبر

ارگان حزب رنجبران ایران

صاحب امتیاز و سردبیر: فرامرز وزیری

مدیر مسئول: علی حجت

نشانی: خیابان انقلاب جنب سینما رویال

خیابان رامسر کوچه آراسته شماره ۱۷

نشانی پستی: تهران - صندوق پستی ۱۳۱۴-۱۳۰۱

منطقه پستی ۱۵

چاپ نمرت

تلفن ۸۲۰۹۹۱

ما را در رفع مشکلات مالی یاری کنید

کک‌های خود را به حساب بانکی زیر واریز نمایید:

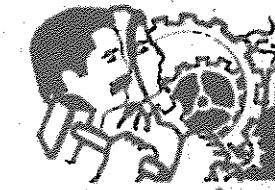
بانک ملی ایران

شعبه خیابان ایرانشهر

شماره حساب ۴۵۳۶۸

کارگران

قانون جدید کار باید بنفع طبقه کارگر و با شرکت نمایندگان کارگران تدوین شود



در شماره پیش، درباره حق کار، حداقل سن، طبقه بندی مشاغل، مدت کار، شیگاری و... نوشتیم. اینک در بخش آخر از نظرات و پیشنهادات خود درباره قانون جدید کار، به: مرخصی، تعطیلات، اخراج، بیمه‌های کارگری، حق اعتصاب، تشکیلات مستقل کارگری و مجازات کارفرمایان اشاره خواهیم کرد.

مرخصی و تعطیلات

کارگران باید حداقل از ۳۰ روز مرخصی برخوردار باشند. مرخصی سالیانه برای کارگرانی که در رشته‌های سخت صنعت و نیز صنایعی که اشتغال در آنها برای سلامتی کارگران مضر است، باید بیش از یکماه باشد. تعطیلات رسمی کشور تماماً باید شامل حال کارگران نیز شود و علاوه بر آن کارگران باید در روز اول ماهه (۱۱ اردیبهشت) هم تعطیل باشند. دولت موظف است تا با ایجاد مکان‌های مناسب در نقاط خوش آب و هوا، امکانات استراحت و استفاده کارگران با خانواده‌هایشان را از مرخصی خویش بوجود بیاورد.

حق اعتصاب

کارگران برای مقابله با استثمار و اجحاف سرمایه داران و پایداری شدن حقوق خویش دست به مبارزه میزنند یکی از برترین سلاحها در مبارزه با سرمایه‌داران اعتصاب است. کارگران با دست زدن به اعتصاب به مقابله با زورگویی و نادیده گرفتن حقوق خویش از جانب سرمایه‌داران یا دولت بیامی خیزند. هیچ عاملی قادر نیست کارگران را از این حق طبیعی و قانونی خود محروم نماید و تا زمانیکه نظام بهره‌کشی درجهان وجود دارد (خواه اعتصاب بطور قانونی به رسمیت شناخته شده باشد یا ممنوع باشد) کارگران از این وسیله برای گرفتن حق خود استفاده خواهند کرد. باید ضمن واقعی کارگران صورت میبیرد.

يك کارگر کفاش تبریزی کمبود مواد اولیه زندگی هزاران کارگر کفاش را تهدید میکند

سر دبیر محترم نشریه رنجبر

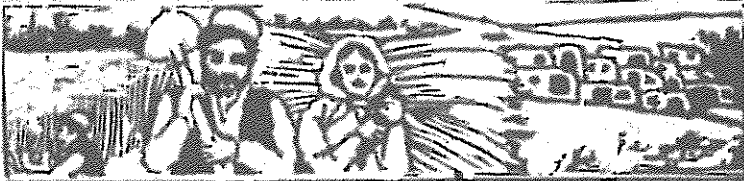
من یک کارگر کفاش در بازار تبریز هستم که باتوجه به اینکه "حزب رنجبران ایران" را مدافع واقعی استقلال ملکتمان و مدافع منافع ما کارگران تشخیص میدهم، همیشه روزنامه رنجبر را میخوانم. حالا میخواهم مشکلاتی را که گریبانگیر کارگران کفاش تبریز است، با شما در میان بگذارم.

کارگران کفاش تبریز، همچنان که میدانید از صبح تا شب برای نان بخور و نمیر دردخمه‌هایی که نه از بهداشت و نه حتی از نور کافی در آن خیری است، چکش میکوبند. ما همیشه برای بدست آوردن حقوق حقه خودمان مبارزه کرده‌ایم و بعد از این نیز مبارزه خواهیم کرد.

دوستان عزیز ما حالا بسا کمبود مواد اولیه مثل پی، او، زب، چرم و میشن روبرو شده و خیلی از کارگاهها تعطیل شده‌اند. بسیاری از برادران کفاش ما مدتی است که بیکارند و این بیکاری روز به روز بیشتر میشود. با این وضع و با توجه به این گرانی خیلی از ماها به نان خالی نیز محتاج هستیم. با توجه به اینکه مواد اولیه مورد نیاز کفاشی، از خارج وارد نمیشود و در داخل مملکت تولید میشود، چرا دولت توجهی به این مسئله نمیکند و تولیدات این کارخانجات را حتی به اندازه قبل از انقلاب نمی‌رسانند که هزاران نفر به وضع ما دچار نشوند. از طرف دیگر کفش از قدیم یکی از صادرات ما بوده‌است، بنابراین دولت از هر لحاظ باید هم از نظر رفاه کارگران کفاش و هم مواد اولیه این صنعت، به این مسئله توجه جدی بکند و الا عواقب بسیار بدی در انتظار هزاران نفر کارگر کفاش است.

درد رنجبر شماره ۴۰ برخوردی به شرکتهای تعاونی روستایی نمودیم و چند نمونه از فعالیت این شرکتهای را در زمینه اعطاء وام، فروش کالاهای مصرفی و خرید محصولات کشاورزی ذکر کردیم. در این شماره نقش تفرقه افکنانه این شرکتهای استفاده از دهقانان برای کنترل یکدیگر و بی ثمری این شرکتهای... را مورد بررسی قرار میدهم:

دهقانان ایران از مدتها قبل با شرکتهای تعاونی آشنا هستند. این شرکتهای که در زمان طاغوت و با هدایت دولت ایجاد شده عملابه صورت یک دکه داد و ستد و بینگاه نر و لخواوری در آمده است. این شرکتهای بیشتر با سرمایه دهقانان خرده مالک و میان‌حال بوجود آمده، ولی بلای جان خود دهقانان شده‌است. سرمایه این شرکتهای به وسیله ای برای غارت و ستم بر آنها تبدیل شده‌است. که از جمله میتوان از جیب اول دهقانان عسوبا بهره‌هایی که تا ۲۲ درصد میرسند نام برد. این شرکتهای همچنین وسیله ستم به دهقانانی است که دارای زمین از خود نبوده و عمدتاً با فروش نیروی کار خود مرا رعاش میکنند. شرکتهای با صلاح "تعاونی" یکی از طرحهایی بود که رژیم طاغوت برای جبا و اول دهقانان، ایجاد تفرقه و نفاق در بین روستائیان بوجود آورده، و آن راه جان دهقانان انداخته بود. این شرکتهای علاوه بر آن وسیله‌ای



شرکتهای تعاونی طاغوتی: وسیله ستم بر دهقانان بی زمین و کم زمین

زمین اعم از مرفه و میانه حال بوجود میآورد. نتیجه اینکه دهقانان بی زمین از هیچکدام از مزایایی که احیاناً این تعاونیها میتوانند در اختیار روستائیان قرار دهند بهره‌مند نمیشوند. رژیم طاغوت با اینکار درجا معر روستایی تفرقه ایجاد کرده بود و دهقانان صاحب زمین را در مقابل خوش نشینها که بیش از ۲۰ درصد جا معر روستایی را تشکیل میدهند قرار میداد و خود از این تفرقه به نفع هدفهای ضد مردمی خود بهره‌برداری میکرد. این وضع پس از سرنگونی رژیم طاغوت هم گماکان باقی مانده‌است و خوش نشینها از عضویت در شرکتهای تعاونی همچنان محروم میباشند.

توزیع وامها، بر رابطه بسا تولید و کار دهقانانی و امهائیکه در دوران گذشته بوسیله این شرکتهای تعاونی به روستائیان پرداخت میشد بسا ر کم بود و رژیم طاغوت از این وام جهت اغفال دهقانان، دست به دهن نگه داشتن، وابسته کردن و در بند قرار دادن آنها استفاده میکرد. متأسفانه این وضع در حال حاضر هم ادامه دارد. و همینطور هیچگونه نظارتی هم برای مصرف این وامها در کارهای تولیدی، عملاصورت نمیگیرد.

تعقیب و کنترل دهقانان توسط خود آنها: نکته دیگر مسئله "مانت"

وبه توسط خود دهقانان بر زوی آنها وارد میشود. شرکت از این طریق دهقانان را کنترل کرده و آنها را در جنگ خودنگه میدارد.

جلب دهقانان مرفه و میانه حال و استفاده از آنها در سرکوب زحمتکشان روستا:

شرکتهای تعاونی علاوه بر دادن وام به دهقانان بعضی از ما یجتاج نظیر روغن، برنج، ارد قند و شکر و... را بین آنها توزیع میکند. منتی این اجناس طبق قانون طاغوتی تعاونیها فقط در بین کسانی بخش میشود که عضو شرکت هستند، و طبیعی است که فقط دهقانان صاحب زمین از این امتیاز برخوردارند و افراد بی زمین یعنی خوش نشینها از آن بی بهره میمانند این عمل تفرقه موجود در بین روستائیان را تشدید میکند و باعث میگردد که بعضی از دهقانان صاحب زمین برای رسیدن به رفاه خود در موضع مخالفت تا حد سرکوب زحمتکشان روستا قرار بگیرند.

مورد مهم دیگر سوء استفاده گردانندگان این تعاونیها است که اجناس مورد نیاز روستائیان را بجای آنکه در شرکت عرضه کنند، بخش عمده آنرا به مغازه خود یا محل دیگری منتقل کرده و بقمیت گرانی میفروشند و از این طریق پول کلانی بجیب میزنند. در این بین دهقانان فقیر مجبورند تا ما یجتاج ضروری خود را به چند برابر قیمت خریداری کنند.

انحلال این شرکتهای جایگزینی آنها با تعاونیهای مردمی "شرکتهای تعاونی" درسیستم اداری گذشته، یکرشته از رنجبر گسترده دولت برای کنترل و اعمال سلطه بر اقتصاد روستا بود. رژیم طاغوت از طریق این شرکتهای ستم‌فراوانی بر روستائیان زحمتکش وارد میساخت. اکنون بعد از انقلاب با آنکه فریباده دهقانان از اجحاف این شرکتهای

الف سببه بیکاری

دولت موظف است که طبق قانون اساسی برای کلیه کارگران کار ایجاد نماید. مادام که برای کارگر بیکار، کار ایجاد نشده دولت موظف به ایجاد صندوق بیمه بیکاری است و این صندوق باید کارگران بیکار و خانواده‌شان را تامین نماید. وجوه این صندوق باید از جانب دولت و کارفرمایان تامین گردد. پرداخت بیمه بیکاری باید به میزان باشد که با سطح مخارج زندگی کارگران خانواده تحت تکفل وی باشد.

ب - بازنشستی وازکارافتادگی

دولت موظف است صندوق ویژه‌ای برای پرداخت حقوق بازنشستی ایجاد نماید. مقصود ماهیانه باید به‌میزانی تعیین شود که با توجه به نرخ تورم پاسخگویی احتیاجات کارگران بازنشسته باشد. روشن است که این میزان با توجه به افزایش مرتب قیمت‌ها باید بالا رود تا از میزان قدرت خرید کارگران گاسته نشود. بازنشستگان باید امکان از بیمه‌های درمانی سایر وسایل رفاهی کارگران شامل برخورداری از خدمات درمانی برخوردار باشند. زنان و مردان باید از حقوق مساوی در این زمینه برخوردار باشند. ضمناً سن بازنشستی برای صنایع شیمیایی و سایر صنایعی که به سلامت کارگر شریه میزند باید بسیار پایین‌تر باشد.

در رابطه با کارگران از کسار افتاده دولت موظف است زندگی آنها را مانند شاغلین تامین نماید. این افراد نیز باید از کلیه امکانات رفاهی و درمانی برخوردار شوند. دولت موظف است با توجه به تسووع نقش همو امکانات اشتغال این افراد را در زمینه‌های مختلف ایجاد نماید تا آنها هم در تولید شرکت کنند و هم خود را در اجتماع موثر حس نمایند. تامین زندگی کارگران از کار افتاده (از کار افتادگی بهر علت و در هر زمان باشد) برعهده دولت است. میزان خسارت از کار افتادگی نیز باید با ارزیابی کمیسیون پزشکی و موافقت تشکیلات کارگری انجام گیرد.

پ - سببه بهداشت و درمان

بهداشت و درمان باید برای کلیه کارگران شهر و کارگران کشاورزی و خانواده‌هایشان برابری تامین شود. ایجاد محیط بهداشتی برای زندگی و کار آنها و توجه به وسایل

برسبب شناخته شدن حق اعتصاب در قانون کار جدید، ضوابط مربوط به آن با نظر خواهی از کارگران و با شرکت نمایندگان کارگران تعیین گردد. مثلا اعتصاب کارگران هر رشته تولیدی در صورتی ممکن باشد که به تصویب اکثریت کارگران آن رشته (۲/۳ کارگران و یا هر نسبت دیگر) و یا سندیکای مربوطه رسیده باشد.

تشکیلات مستقل کارگری

حق ایجاد تشکیلات مستقل و سراسری کارگری و عضویت کارگران در این تشکیلات باید در قانون کار به رسمیت شناخته شود. این تشکیلات (شامل سندیکاهای کارگری) باید به دور از هرگونه اعمال نفوذ و دخالت دولت و کارفرمایان و کارگران دیگری، امر دفاع از منافع صنفی - سیاسی کارگران را برعهده داشته باشند. کارگران هر رشته تولیدی باید این حق را داشته باشند که سندیکای مستقل خود را بوجود آورند. چنانچه این حق به رسمیت هم شناخته نشود کارگران مبارزه خود عملاً تشکیلات مستقل خود را بوجود می‌آورند و هیچ‌عاطلی قادر نیست که مانع اینکار شود. یکی از وظایف پراهمیت تشکیلات مستقل کارگری بستن قراردادهای دسته‌جمعی کار با کارفرمایان است که منافع بیشتری را برای کارگران دربردارد. علاوه بر تشکیلات مستقل کارگری، نمایندگان کارگران میتوانند برای نظارت بر امور کارخانه یعنی مدیریت، تولید، خرید و فروش و استخدام و غیره در شوراهای کارکنان شرکت نمایند. ولی ایجاد این شوراهای نباید جلوی ایجاد تشکیلات مستقل کارگری را بگیرد. علاوه بر سران کارگران باید این حق را داشته باشند که از طریق تشکیلات مستقل و سراسری خود به‌عنوان نماینده انقلاب ایران، کارگر انقلابی و جامعه انقلابی ایران در مجامع و تشکیلات بین‌المللی کارگری جهان شرکت نمایند.

مجازات کارفرمایان

برطبق قوانین ضد کارگری سابق و اعمال نفوذ های کارفرمایان، یا کارفرمایان مختلف مجازات نمیدهند و یا حداکثر با پرداخت مبلغی از چند روز و چند ماه زندان نجات پیدا میکنند. این مطلب یعنی در نظر گرفتن مجازات صافی سخت و جدی برای کارفرمایانی که حقوق کارگران را پایمال میکنند، باید در قانون جدید کار در نظر گرفته و رعایت شدن قوانین و مقررات از طرف کارفرما نظارت شود.

روزی بزرگ - نعمتی ج - کمبود مواد اولیه مورد نیاز کارگاههای کفافی، هزاران کارگر زحمتکش و خانواده‌های آنان را به فقر و بیخانمانی تهدید میکند و هم اکنون نیز بسیاری از این کارگاهها در اثر نبودن مواد اولیه تعطیل شده و کارگران آنان بصف بیکاران پیوسته‌اند. اغلب این کارگران برای گذران زندگی خود و خانواده‌شان مجبورند هر روز بیشتر از روز قبل در قرض ونداری فرو بروند. کارگران کفایش تیریزی که از شهرت مبارزاتی خوبی برخوردارند همواره جزء آن دسته از زحمتکشانی بودند که در کلیه مبارزات ضرر زینی پیشقدم بودند. این کارگران در کارگاههای نمناک و گود که به دهنده شایهت دارد، از صبح تا شام کار میکنند و از کلیه امکانات بهداشتی، رفاهی و بیمه محروم هستند. دولت موظف است که هر چه زود تر نسبت به تامین مواد اولیه مورد نیاز این زحمتکشان و دیگر خواسته‌های آنان اقدام جدی عمل آورد و تولید این مواد را که در خود ایران صورت می‌گیرد، هر چه زودتر با بکارگرفتن تمامی امکانات، افزایش دهد. کارگران زحمتکش کفایش تیریزی نیز باید برای برآوردن خواسته‌های محققانه خویش صفوف خود را بهم فشرده تر و اتحاد خود را محکم تر نمایند و بطور مستقل و یکپارچه مبارزه خود را به پیش برند.

زود تر نسبت به تامین مواد اولیه مورد نیاز این زحمتکشان و دیگر خواسته‌های آنان اقدام جدی عمل آورد و تولید این مواد را که در خود ایران صورت می‌گیرد، هر چه زودتر با بکارگرفتن تمامی امکانات، افزایش دهد. کارگران زحمتکش کفایش تیریزی نیز باید برای برآوردن خواسته‌های محققانه خویش صفوف خود را بهم فشرده تر و اتحاد خود را محکم تر نمایند و بطور مستقل و یکپارچه مبارزه خود را به پیش برند.

تشکلات کارگری، همچون سندیکاهای اتحادیه‌ها و ... باید بر اجرای قوانینی که با مشارکت آنان تنظیم شده است، نظارت نمایند. تجربه های فراوان در گذشته نشان دهنده اینست که سرمایه‌داران قوانین کار و کارگری را بِنفع کارگران عمل نخواهند کرد و باین منظور نه تنها قانون باید مجازات این قبیل سرمایه داران را صریحا روشن نماید، بلکه در قانون جدید کار، حق نظارت بر اجرای این قوانین و مقررات برای تشکلات کارگری باید برسمیت شناخته شود.

بود برای تعقیب و دست زدن دهقانان توسط خود آنها، برای روشن شدن مطلب در زیربنا بین نکات برخورد میکنیم تا اینکه به نتیجه روشن تری از مسئله برسیم.

عضویت در شرکت و سیلشدهای برای ایجاد تفرقه

اسم "شرکت تعاونی" جنبه عام دارد و باید کلیه روستائیان را دربربگیرد. ولی واقعیت درست برعکس آن است. این شرکتها "فانونا" و "عملا" فقط دهقانانی را دربربگیرند که از خود دارای زمین باشند. کسیکه زمین ندارد حق عضویت در آنها را ندارد. این یک تمایز بزرگی را بین خوش نشین ها (دهقانان بی زمین) و دهقانان صاحب

بقیه از صفحه ۴

خارج کند باید با خشونت و وحشیگری بیشتری دست به تعرض بزند. بین دو راهزن توافق نیست، عموما دعوا است. اگر هم توافقی باشد ظاهری و موقتی است. تمام وقایع جهان نشان دهنده دعوی میان دو راهزن بزرگ است و تمام ناامنی جهان کنونی از این دعوا ناشی میشود. لکن در این جنگ میان دو راهزن، آنکه حمله میکند شوری است، یعنی راهزن تازه نفس و تازه به میدان آمده، و آنکه دفاع میکند آمریکا است، یعنی راهزن شکست خورده و خسته قدیمی. این هر دو، بزرگترین راهزنان کاروان انقلاب جهانی اند و بزرگترین آشوبگران و بر هم زنندگان صلح و امنیت جهانی. لکن به حکم حقایق فوق از میان این دو راهزن یکی از دیگری خطرناکتر و متجاوزتر است.

ثالثا: آمریکا را در جهان همه می شناسند و چهره‌های گوناگون آنرا، از چهره حقوق بشری آن تا چهره جنگ افروزان و تجاوز کارانه آن، در جهان رسوا و افشا شده و خلقهای جهان در برابر آن هوشیارند. لکن شوری با نقاب مبارزه علیه امپریالیسم آمریکا، دفاع از جنبشهای آزادیبخش و غیره به میدان می‌آید. تجارب تلخ متعدد تاریخی (کوبا، ویتنام و ...) نشان میدهد که برخی از جنبشهای آزادیبخش فریب این نقاب دروغین را خورده‌اند و برای مبارزه با آمریکا از شوری "کمک" طلبیده‌اند و شوری تحت عنوان "کمک" سیل مستشاران روسی و کوبانی و ... را به آن کشورها گسیل داشته و آنها را که تازه از سلطه غرب درآمده‌اند به زیر سلطه وحشیانه خود کشیده است. پس ابرقدرت شوری، از آنجا که با نقاب عمل میکند و از آنجا که ماهیت حقیقی آن بر خلقهای جهان بخوبی شناخته شده نیست، از امپریالیسم رسوا شده آمریکا خطرناکتر است. در همین کشور خودمان، بسا اینکه شعار نه شرقی نه غربی و سیما "در میان مردم نفوذ کرده است، باز هم می بینیم که هوشیاری نسبت به توطئه های شوری کمتر از آمریکا است و حتی برخی مسئولین مملکتی یکی در این زمینه دچار توهم‌اند و یا مدارا جوئی پیشه میکنند.

میباشد، با وجود اینکه معیار اخذ او را زمین قرار داده‌اند علاوه بر شخص و ام گیرنده، فرد دیگری هم تحت عنوان "ضامن" باید معرفی گردد. این "ضامت" به صورت زنجیره‌ای انجام میگردد و هر دهقان و ام گیرنده هم توسط دهقان دیگری ضامن میشود و هم خودضامن دهقانی می باشد. طبیعی است که اگر از و ام محروم میگردد، اینابر فردضامن شده بموقع نتواند وامش را بپردازد، شخص ضامن مسئول بوده و در نوبت بعد این شخص ضامن برای اینکه بتواند وام خود را بگیرد اضمنا مواظب و مراقب شخص و ام گیرنده می باشد. تا بترا ندیا اصلاح به "حق خود برسد". این فشاری است که از طرف شرکت تعاونی

تئوری سه جهان ...

علاوه بر این دلایل، دلایل مهم دیگری نیز موجود است که نشان میدهد، شوری خطرناکتر از آمریکا است. از جمله دلایل مربوط به سیستم و نظام حکومتی فاشیستی شوری - که امکان ابراز هیچگونه مخالفتی را نه از جانب مردم شوری و نه از جانب بخشهای مختلف هیات حاکمه نمیدهد (ما این مسائل را در نوشتجات تئوریک خود به تفصیل توضیح داده‌ایم).

بنابراین، در مورد جهان اول (آمریکا و شوری) تئوری سه جهان دو حکم زیر را ارائه میدهد:

اول اینکه جهان اول (دوا بر قدرت آمریکا و شوری) دشمن اصلی انقلاب و صلح جهانی، دشمن اصلی خلقهای جهان اند.

دوم اینکه، از میان این دو ابر قدرت، شوری به دلایلی که در بالا ذکر کردیم از آمریکا خطرناکتر است. خلقهای جهان برای مبارزه علیه دشمن اصلی خود باید این هر دو حکم را در نظر داشته باشند و هوشیاری خود را نسبت به ابر قدرت شوری دوچندان کنند و در عین مبارزه با آمریکا به هیچ وجه به دام شوری نیفتند.

این است نکات اساسی تئوری سه جهان در مورد جهان اول. عدم توجه به این نکات اساسی، یعنی دیدن آمریکا و ندیدن شوری و یا دیدن هر دو ابر قدرت ولی ندیدن خطر ویژه‌ای که شوری برای خلقها دارد، مبارزه ما را و دیگر خلقها را با مشکلات مواجه ساخته و به شکست میکشاند. درک عمیق تئوری سه جهان و اعتقاد به آن تضمینی است برای پیروزی و مقابله با خطرات شکست. این از قطب ضد انقلاب جهانی، اما بینیم در طرف دیگر، یعنی در قطب انقلاب در جهان سوم، چه میگذرد.

و مدیریت آنان به‌واسطه است، ولی هیچ گوش شنوایی برای شنیدن فریاد دهقانان وجود ندارد.

بوروکراتها و گردانندگان این شرکتها که نفع در حفظ شرکتهای تعاونی دارند، مانع دگرگونی این شرکتها هستند و نمیکذارند تا شرکتهای مزبور تبدیل به یک تعاونی مردمی و در خدمت روستائیان و نیازهای واقعی آنان در بیاید. دهقانان میگویند: "دولت باید بما بگوید ما ایرانی هستیم یا نه؟ اگر هستیم چرا حق برای ما قائل نیست؟ و اگر ایرانی نیستیم با ما چه میگوید؟ ما ایرانی هستیم یا نه؟ اگر هستیم چرا حق خود بر سریم!"

علاوه بر این دلایل، دلایل مهم دیگری نیز موجود است که نشان میدهد، شوری خطرناکتر از آمریکا است. از جمله دلایل مربوط به سیستم و نظام حکومتی فاشیستی شوری - که امکان ابراز هیچگونه مخالفتی را نه از جانب مردم شوری و نه از جانب بخشهای مختلف هیات حاکمه نمیدهد (ما این مسائل را در نوشتجات تئوریک خود به تفصیل توضیح داده‌ایم).

بنابراین، در مورد جهان اول (آمریکا و شوری) تئوری سه جهان دو حکم زیر را ارائه میدهد:

اول اینکه جهان اول (دوا بر قدرت آمریکا و شوری) دشمن اصلی انقلاب و صلح جهانی، دشمن اصلی خلقهای جهان اند.

دوم اینکه، از میان این دو ابر قدرت، شوری به دلایلی که در بالا ذکر کردیم از آمریکا خطرناکتر است. خلقهای جهان برای مبارزه علیه دشمن اصلی خود باید این هر دو حکم را در نظر داشته باشند و هوشیاری خود را نسبت به ابر قدرت شوری دوچندان کنند و در عین مبارزه با آمریکا به هیچ وجه به دام شوری نیفتند.

این است نکات اساسی تئوری سه جهان در مورد جهان اول. عدم توجه به این نکات اساسی، یعنی دیدن آمریکا و ندیدن شوری و یا دیدن هر دو ابر قدرت ولی ندیدن خطر ویژه‌ای که شوری برای خلقها دارد، مبارزه ما را و دیگر خلقها را با مشکلات مواجه ساخته و به شکست میکشاند. درک عمیق تئوری سه جهان و اعتقاد به آن تضمینی است برای پیروزی و مقابله با خطرات شکست. این از قطب ضد انقلاب جهانی، اما بینیم در طرف دیگر، یعنی در قطب انقلاب در جهان سوم، چه میگذرد.

در قسمت بعدی درباره جهان سوم و نقش و اهمیت آن خواهیم نوشت.

مقدمه: اوضاع بین‌المللی را دریابیم، دوستان و دشمنان خود را بشناسیم

هر ایرانی به این حقیقت واقف است که تکامل اوضاع مملکت ما بستگی نزدیک دارد به تکامل اوضاع جهانی. در این یک سال و نیمی که از پیروزی انقلاب اسلامی بهره‌بری امام خمینی میگذرد، مردم ما بارها صحت گفته فوق را دیده و تجربه کرده‌اند. انقلاب ما از سر وجود اهریمنی سلطنت پهلوی راحت شد لکن امپریالیسم و بویژه دو ابر قدرت جهان‌خوار (آمریکا و شوروی) و عمال داخلی آنها ما را به حال خود گذاشته‌اند. آنها هر لحظه علیه ما توطئه می‌چینند.

از سوی دیگر، خلقهای محروم و ستمدیده جهان نیز مبارزه خود را علیه سلطه جهان‌خواران و دست نشاندهگان داخلی آنها ادامه میدهند و پیروزی‌های پایایی به دست می‌آورند.

تکامل عوامل ضد انقلاب (دوا بر قدرت) و عوامل انقلاب (خلقهای جهان و نیروهای ضد دوا بر قدرت) بر روی انقلاب ما تاثیر میگذارد تکامل انقلاب ما هم از طرفی به دوا بر قدرت ضربه میزند و از طرف دیگر به خلقهای جهان کمک میکند. پس ملت ما برای اینکه بتواند انقلاب را در مسیر تکاملی خودش به پیش برد باید شناخت درستی از اوضاع بین‌المللی و جبهه بندی و صف آرایی نیروهای انقلاب و ضد انقلاب در سطح جهانی داشته باشد.

هدف از این شناخت، تشخیص دوست از دشمن است. هر انقلابی موفق پیروز میشود که به این سؤال اساسی جواب درست دهد: دوستان ما کیانند، دشمنان ما کیانند؟ با چه کسی باید متحد شد، علیه چه کسی باید جنگید؟

انقلاب اسلامی ما نمونه موفق در پاسخ گوئی به این سؤال است. امام خمینی بخوبی توانست دوست و دشمن را تشخیص دهد و انقلاب را تا پیروزی بر سلطنت پهلوی رهبری کند. اما از آنجا که با پیروزی انقلاب، دشمن ما از بین نرفته و در سطح جهانی همچنان سلطه خود را حفظ کرده است، پاسخ دادن به این سؤال در سطح بین‌المللی نیز ضروری است.

در سطح جهانی، دوستان ما کیانند، دشمنان ما کیانند؟ با چه کسی باید متحد شد، علیه چه کسی باید جنگید؟

"تئوری سه جهان" بصورت جامعی به این سؤال پاسخ میدهد. این تئوری به کاملترین و درست‌ترین صورتی منظره صف آرایی نیروهای انقلاب و ضد انقلاب را در سطح جهانی نشان میدهد و راه درست را برای مبارزه انقلابی در سطح جهانی نشان میدهد. درست به همین دلیل، این اواخر، دشمنان رنگارنگ انقلاب ما و به خصوص ابر قدرت شوروی و عمال آن (باند کیانوری) و همچنین چپ‌نماها و انقلابی‌نماهایی که در خط این دشمنان افتاده‌اند، حملات دیوانه وار خود را علیه این تئوری، علیه کلیه استقلال طلبان و علیه کمونیست‌های ضدیق و استقلال طلب یعنی پیروان اندیشه مانو تسمه دون، علیه حزب ما تشدید کرده‌اند. لکن این حملات تنها نتیجه‌ایکه

تئوری سه جهان چراغی برای مبارزه ضد امپریالیستی خلقهای جهان

درون جهان سوم هستند که در مراحل مختلف کسب استقلال خود از ابرقدرتها قرار دارند. ویا در درون جهان اول، میان آمریکا و شوروی تفاوت‌هایی فوجود است که آنها را از هم تمایز می‌سازد. لکن تئوری سه جهان بیان واقعیت عمومی جهان کنونی است. اما تئوری سه جهان تنها به بیان واقعیت عمومی جهان کنونی اکتفا نمیکند. این تئوری اجزای مختلف این واقعیت را و جوانب مختلف آنرا نیز بدرستی ارزیابی میکند.

جهان اول: دو ابر قدرت آمریکا و شوروی، دشمنان اصلی خلقهای جهان اند

امروز کمتر کسی در میهن ما وجود دارد که دو ابر قدرت جهان‌خوار، آمریکا و شوروی، را نشناسد. سلطه آمریکا را مردم ما حداقل یک قرن با گوشت و پوست خود تجربه کرده‌اند و درباره سلطه شوروی نیز تجارب تلخی دارند. به علاوه، اشغال خاک کشور همسایه ما افغانستان و کشتار خلق برادر و مسلمانان مبارز افغانستان توسط مینکها، تانکها و سربازان شوروی چشم مردم ما را باز کرده است. امام خمینی، رئیس‌جمهور و دیگر شخصیت‌های مذهبی و سیاسی مملکت بطور دائم درباره این دو ابر قدرت مشغول افشاکری و روشنگری هستند و توده‌های خلق ما بارها و بارها در تظاهرات عظیم خیابانی خود فریاد زده‌اند: " آمریکا، شوروی، مرگ به نیرنگتان خون شهیدان ما میچکد از جنگتان... " و یا " کربلا، کربلا، مشعل آزادگان - شوروی، آمریکا، دشمن مستضعفان... "

اصلی‌ترین پایه تئوری سه جهان بر روی همین واقعیت بزرگ جهان کنونی یعنی وجود دو ابر قدرت جهان‌خوار قرار دارد. آنها بزرگترین استعمارگران، بزرگترین ستمگران و بزرگترین تجاوزگران طول تاریخ اند. بنابراین در جواب سؤال دشمنان ما کیانند، تئوری سه جهان می‌گوید: دو ابر قدرت، دشمنان اصلی خلقهای جهان اند.

اما هیچ پدیده‌ای یک دست نیست. همانطور که در جهان سوم انواع رژیمها موجوداند، در جهان اول نیز

داشته، این بوده است که " تئوری سه جهان " را بر سر زبان‌ها انداخته است. همه از خود میپرسند این تئوری چیست و چه میگوید. بدین خاطر، ما میکوشیم آنچه را در گذشته بصورت پیچیده و تئوریک، بیشتر به قصد بحث در جنبش مارکسیستی گفته‌ایم، اکنون در زبان ساده و عامه فهمی بازگو کنیم تا به خواست عده کثیری از مردم که مرتباً به ما مراجعه میکنند، جواب مثبت گوئیم.

تئوری سه جهان عنوانی است که به تئوری علمی مانو تسمه دون در مورد تقسیم به سه جهان اطلاق میشود. همانطور که از نام این تئوری پیداست این تئوری کشورهای جهان را به سه نیروی بزرگ سیاسی، به سه دسته یا سه جهان تقسیم میکند: جهان اول که شامل دو کشور یعنی دوا بر قدرت جهان‌خوار، آمریکا و شوروی، است که بزرگترین استعمارگران، تجاوزگران و جنگ افروزان تاریخند. جهان سوم که در قطب مخالف قرار دارد و شامل کشورهایی است که در سه قاره، آسیا، آفریقا و آمریکا جنوبی در زیر سلطه امپریالیسم قرار دارند ویا استقلال سیاسی خود را به گف آورده، لکن همچنان مورد ستم و استعمار امپریالیسم بویژه دوا بر قدرت قرار دارند. و بالاخره، در میان این دو قطب متضاد و مخالف، جهان دوم قرار دارد که حالتی بینابینی دارد. جهان دوم که شامل کشورهای اروپای غربی و نیز ژاپن، استرالیا و کانادا است، قدرت‌های امپریالیستی درجه دوم را در بر میگیرد. این کشورها، اگر چه کشورهای امپریالیستی اند و کشورهای جهان سوم را مورد ستم و استعمار قرار میدهند، اما خود نیز تحت فشار، استعمار و ستم در معرض تهدید دوا بر قدرت جهان‌خوار قرار دارند.

تئوری سه جهان معتقد است که جهان اول دشمن اصلی انقلاب و خلقها و صلح جهانی است. جهان سوم نیروی اصلی مبارزه علیه امپریالیسم، استعمار نو و کپس و سیادت طلبی و جنگ افروزی دو ابر قدرت است. و جهان دوم، بمثابة یک نیروی بینابینی، میتواند توسط جهان سوم به همکاری جلب شوند.

آیا این تقسیم به سه جهان بدین معنا است که در درون هر یک از این سه جهان تقسیم بندی‌های دیگری بر اساس نوع رژیمها و وضعیت خاصی اقتصادی، اجتماعی، سیاسی کشورها نمیتواند صورت گیرد؟ بدهیج وجه، چنین تقسیم بندی‌ها میتواند موجود باشد و موجود نیز هست. مثلاً در درون جهان سوم، کشورهای سوسیالیستی هستند که رهایی و استقلال خود را امپریالیسم در طول نبسرد طولانی بدست آورده‌اند، لکن هنوز مورد تهدید و فشار دو ابر قدرت هستند واز نظر اقتصادی نیز عقب مانده میباشند مانند جمهوری خلق چین. همچنین کشورهای اسلامی در

تفاوت‌هایی میان دو ابر قدرت موجود است. این تفاوت‌ها کدامند؟ مقایسه میان دو ابر قدرت نشان میدهد که ابر قدرت شوروی از ابر قدرت آمریکا خطرناکتر است. چرا؟

اولاً: امپریالیسم آمریکا در دهه اخیر و بخصوص در ۵ سال اخیر شکست‌های سختی از خلقهای مبارز جهان خورده است. مهمترین این شکست‌ها، شکست ویتنام و هندوچین بود. در این جنگ تجاوز کارانه، امپریالیسم آمریکا نیروی عظیمی را از نظر اقتصادی و نظامی و مالی و انسانی بسیج کرد، لکن در مقابل عزم راسخ خلقهای هندوچین، با تمام این نیرو شکست خورد. این شکست و سپس شکستهای بعدی آن و در این اواخر شکست مفتضحانه آن در ایران که یکی از پایگاههای اصلی سلطه آن بود، ضربه سختی به این ابر قدرت وارد آورد. بحران اقتصادی درونی آن را بطرز بی‌سابقه‌ای تشدید کرد، بحران سیاسی طبقه حاکم نیز تشدید شد، بطوری که امپریالیسم آمریکا، پس از شکست هندوچین دیگر قادر نگردید در ایران، برای حفظ رژیم در حال سقوط شاه که بهترین پایگاه او در خاور میانه محسوب میشد، نیروی نظامی پیاده کند.

لکن، برخلاف آمریکا، ابر قدرت شوروی که تا ۵-۶ سال پیش فقط به نفوذ اقتصادی و سیاسی در کشورهای جهان سوم اکتفا میکرد، در سالهای اخیر شروع به نفوذ و تجاوز نظامی نمود. این تجاوز نظامی در آغاز بصورت غیرمستقیم بود و از طریق کوبانی‌ها (در آنگولا و اریتره) و ویتنامی‌ها (در کامبوج) و با حمایت نظامیان روسی صورت می‌گرفت. اما در پایان سال مسیحی گذشته، شوروی نخستین تجاوز و اشغال نظامی وسیع خود را در جهان سوم در افغانستان عملی کرد. با اشغال افغانستان، شوروی عیناً در همان راهی گام گذارد که آمریکا حدود ۱۵ سال پیش در ویتنام آغاز کرد و به شکست انجامید. شوروی، امپریالیسم تازه نفسی است که هنوز شکست‌های سختی از خلقها نخورده و با امپریالیسم تضعیف شده و شکست خورده آمریکا از این جهت تفاوت بسیار دارد. برخلاف آمریکا که بسا درس‌گیری از شکست‌های گذشته می‌کوشد حتی المقدور خود را در ماجراهای نظامی بزرگ از نوع اشغال نظامی وارد نکند، شوروی بر عکس به آسانی به اشغال نظامی مستقیم و غیر مستقیم متوسل میشود.

امروز ما می‌بینیم که شوروی در تمام نقاط حساس جهان سوم دست به تجاوز، اشغال و سلطه بر کشورهای جهان سوم و تبدیل آنها به پایگاههای نظامی می‌زند و برخی از کشورها را مانند کوبا و ویتنام بمثابة بازوی مسلح خود در آورده و آنها را تحت رهبری مستشاران روسی برای اشغال نظامی وحشیانه کشورهای مختلف جهان سوم مورد استفاده قرار میدهد.

بنابراین، شوروی امپریالیستی است که تازه بمیدان آمده و میخواهد مناطق نفوذ رقیب خود آمریکا را از جنگ آن به در آورد. او به مناطق نفوذ رقیب حمله میکند و رقیب آمریکائی برای حفظ این مناطق دفاع می‌نماید. شوروی در موقعیت تهاجمی است و آمریکا در موقعیت تدافعی. مثال دوراهزن است که برای غنائم بسا یکدیگر می‌جنگند. راهزن اول کاروانی را زده و غنائمی را به چنگ آورده، راهزن دومی برای اینکه غنائم را از چنگ اولی بقیه در صفحه ۲

نماینده خوب مشی انقلابگری

سرخ آخر

ردیف بقیه خواست هایی قرار دارد که درست خود آقای خوئینی ها از آن دفاع میکنند. اما بهر حال مساله بر سر چگونگی رسیدن به این خواست هاست، همانطور که باید قیام مسلحانه برخی نیروهای کرد علیه حکومت اسلامی و ملی مرکز را نادرست و بر ضد استقلال و منافع ادامه انقلاب کتونی دانست، باید سرکوب شدید آنرا هم از طریق قهر بعنوان عکسالعمل، انهم بدون تمایز گزافی دقیق، نادرست و بربزد وحدت ملی کشور بحساب آورد.

هدف، وسیله را توجیه نمی کند هدف درست باید همراه با وسیله درست باشد

هدف های مردم کرد برای خود مختاری حق طلبانه است اما مساله بر سر چگونگی رسیدن به این هدف می باشد. هدف رسیدن به خود کنایی کشاورزی مقدس است اما مساله بر سر چگونگی رسیدن به آن میباشد، همانطور که در مساله کردستان می بینیم. راه نا درست نتیجه نامطلوبی را به بار می آورد، دولت مرکزی را تضعیف و به خلق های ایران خسارات وارد می سازد، هم به ضرر کرد است و هم به ضرر بقیه مردم ایران.

در پایان باید تاکید شود که هدف وسیله را توجیه نمی کند. هدف درست باید همراه با وسیله درست باشد. هر فرد مومن و انقلابی باید علاوه بر اندیشیدن به هدف ها به چگونگی رسیدن به آنها هم توجه نماید. یکی از تظاهرات کتونی درون خلق و مردم ما و درون نیروهای انقلابی بویژه درون نیروهای استقلال طلب اسلامی که حکومت را در دست دارند، عموماً بر سر چگونگی حل مسایل است. و درست به همین خاطر باید در بعدی واقعی و در محیطی علمی و بر اساس واقعیات جامعه کتونی ایران و وضع بین المللی از طریق مشورت و آموزش از یکدیگر، بخاطر هدف های مشترک، وسایل مشترک برای رسیدن به آنها یافت و مسالمتی چگونگی رسیدن به هدف ها را بدرستی حل نمود. و سلامت.

مهدی روشن بین

نامه مفصل شد، هنوز جا دارد در باره ی پاره های از نکات دیگر مکت نامیم. اما میگردم و با تاکید روی جوانب مثبت مصاحبه ی آقای خوئینی ها نامه را خاتمه میدهم. همانطور که در آغاز یادآور شدم آقای خوئینی ها جهت گیری زحمتکش و انقلابی دارد و درست به همین خاطر و در خدمت زحمتکش است که پیشنهاد های رادیکال خود را چه در زمینه قدرت سیاسی کتونی و جای گزینی آن وجه مالکیت و مسالمتی اقتصاد کشور ادامه

میدهد. در صداقت آقای خوئینی ها و خواست انقلابی او نمیتوان شک کرد. اصولاً هم اکنون در جامعه ما نسل انقلابی پرشوری برخاسته است که میخواهد هرچه سریعتر تغییرات بنیادی بوجود آید، بدبختی ها و مشقت های کتونی جامعه ما هرچه زود تر برطرف گردد، فرهنگ منط و عقب مانده ی ماجای خود را به فرهنگ ملی علمی و توده های بدهد. این خواست، خواست عادلانه و قابل تقدیری است. معمولاً در جوامعی که فقر و بدبختی به مدت طولانی موجود بوده است، ستم ملی بشدت رواج داشته. دیکتاتوری نوع فاشیستی محمد رضا شاهی در بعدی همه جانبه بر کلیه شئون جامعه گسترده بوده، انقلاب و ضد انقلاب برای مدت مدیدی در برابر هم صف آرایی نموده و در جنگ با هم به اشکال مختلف درگیر بوده اند. در چنین جاهای چنین خواست هایی طبیعی می باشد و قابل توجیه اند. گفتنیست که هر قدر به فنر بیشتر فشار می آوریم، قدرت بازگشت آن بیشتر می باشد. در ایران بسروری نیروهای انقلاب فشار زیاد بود، در نتیجه پس از انقلاب این فرسوسها و با شتابی بیشتر می خواست و هنوز می خواهد تا ناعدالتی ها و ستم ها رفع گردد. از این دیدگاه قیام توده ملیت های مختلف مردم و خواست آنها برای خود مختاری یا خود گردانی، چیزی که آقای خوئینی ها رد می کند، قابل توجیه است و در

گروه انقلابی خلقهای افغانستان

مراحل مختلف نفوذ شوروی در افغانستان نیروهای مبارز افغانستان

صنایع نساجی، کود شیمیایی، ساختمان و استخراج گاز، بخش تفحصات نفت و معادن مشغول کار میباشد. بورژوازی و مناسبات آن از حدود صد سال قبل در کشور ما موجود بوده است. صنایع موناژ در افغانستان کم بوده و جز در دو چرخه سازی و جیره های دیگر مشاهده نمیگردد. کشور ما اگر چه در مجموع یک جامعه مستعمره و نیمه فئودالی است اما در آن علائم تمام ادوار و مراحل تاریخی را از کتون گرفته تا سرمایه داری می توان دید.

سرمگام نیروها در افغانستان موجودند، مناسبات بین این نیروها چگونه است و نیروی هر کدام تا چه اندازه است؟
ج: عمده ترین نیروی مبارزه کننده در افغانستان نیروهای مبارز اسلامی هستند. زیرا این جنبش و جنبش خود بخودی مردم مسلمان ما ریشه عمیق تاریخی دارند، تمام تضادهای فرعی ای که از طرف نیروهای ارتجاعی در بین مردم شیه و سنی افغانستان دامن زده میشد. بر اثر بیداری مردم ما در جنبش مقاومت ضد روسی از بین رفته و مردم سراسر افغانستان اعم از ملیت ها و مذاهب مختلف چون تن واحد دست به بیگار زدند.

نیروهای متشکل مذهبی به سه قسمت تقسیم میشوند:
۱- آن سازمانهایی که در ایران میبایست و تحت تاثیر انقلاب ایران قرار گرفته اند. مانند: حزب حرکت اسلامی، سازمان نصر، حزب اسلامی رعد، سازمان مجاهدین خلق افغانستان و غیره.
۲- سازمانهایی که در پاکستان مرکزیت دارند مانند: ملحدان ملی انقلاب اسلامی، حزب حرکت انقلاب اسلامی، جمعیت اسلامی، حزب اسلامی، حزب اسلامی (به رهبری مولوی محمد یونس خالصی)، جبهه ملی نجات افغانستان و دسته پیروان سیگل جان (از جمله اینها پنج سازمان بغیر از حزب اسلامی و پیروان سیگل جان "اتحادیه اسلامی برای آزادی افغانستان" را تشکیل داده اند.)

۳- عمده ترین نیروی جنبش آزادیبخش کشور ما را در مقابل با سوسیال امپریالیسم روس جبهاتی میسازند که در داخل افغانستان بوده و در مناطق مختلف افغانستان بصورت جنبش های محلی، منطقه ای و با قومی فعالیت دارند. مناسبات به علت نبودن امکانات و برخورد نادرست سازمانهای اسلامی در خارج از کشور مبنی بر قلعهدار کردن کلیه این نیروها و فعالیتها و دستاوردهای آنها بخود، این نیروها و جبهات در جهان ناشناخته مانده اند و مردم جهان نتوانسته نیروی اصلی انقلاب افغانستان را در این مرحله بشناسند.

بزرگترین جبهه که در بخش مرکزی افغانستان یعنی هزاره جات فعالیت دارد، "شورای انقلابی اتفاق اسلام" است که در آن نمایندگان ۱۷ شهرستان آزاد شده نماینده دارند و همچنین احزاب و نیروهای اسلامی و غیره دیگری که مرکز فعالیت شان در این منطقه میباشد، در این شورا شامل هستند.

جبهه جهاد اسلامی نورستان دومین جبهه نیرومند افغانستان است که شامل منطقه آزاد شده نورستان در استان "گنرزا" و "نعمان" میباشد. سایر سازمانها در داخل کشور، جمعیت علمای اسلامی افغانستان، جبهه مبارزین مجاهد افغانستان و محافل، احزاب، شخصیت های ناسیونالیست و دمکرات در جنبش افغانستان شرکت دارند و بطور متشکل و نامتکامل فعالیت میکنند. فقدان رهبری واحد و ناهماهنگی بین احزاب خارج از کشور از یک طرف و ناهماهنگی بین احزاب خارج از کشور و جبهات و نیروهای داخل کشور از طرف دیگر بزرگترین ضعف جنبش ما را میسازند، اما سمت عمده مبارزه کلیه نیروها علیه روسیاست و همین عامل تضمین بر ادامه جنگ آزادیبخش کشور ما بوده است. ضمناً این نکته را باید تذکر داد که در حواشی جنبش ضد روسی کتونی، عده های ناچیز وابسته به امپریالیسم غرب وجود دارند که نقش آنها را در حرکت مجموعه جنگ آزادیبخش ما نمیتوان جدی گرفت. ادا می دارد

خبرنگار رنجبر در ماه گذشته مصاحبه ای با عده ای از اعضای "گروه انقلابی خلقهای افغانستان" انجام داد. مبارزین افغانی بنیابندگی از طرف "گروه انقلابی" ... مسایل انقلاب افغانستان را تشریح نمودند. در این شماره رنجبر، بخش اول این مصاحبه از نظر خوانندگان میگذرد.

سب تحلیل شما از اوضاع اجتماعی افغانستان یعنی از وضع طبقات و اقشار گوناگون آن چیست؟

ج: کشور ما قبل از تجاوز مستقیم شوروی، یک کشور نیمه مستعمره نیمه فئودالی بود. شوروی از سالهای ۱۳۵۸ - ۱۳۲۵ بخصوص پس از سالهای ۱۳۴۰ به عمده ترین امپریالیسم در چهار چوب اقتصادی و نظامی افغانستان تبدیل میشود. در واقع افغانستان جزو اولین کشورهایی به غیر از کشورهای اروپایی شرقی بود که در آن تئوری های خروشچف پیاده شد و جریان وابستگی آن به شوروی از همان اوان شروع گردید.

نفوذ شوروی در کشور ما سه مرحله را پیموده است: اول دوره نفوذ مسالمت آمیز اقتصادی، سیاسی، نظامی، فرهنگی، که در این دوره احزاب "خلق" و "پرچم" نیز بوجود آورده میشوند. دوم: مرحله کودتاها و نظامی شوروی که در اول نفوذ خود فائق طبقاتی اجتماعی بود که بدان تکیه کند، کوشید با ایجاد دو حزب وابسته نفوذ در ارتش و تحت کنترل در آوردن اقتصاد دولتی، زمینه های بیابید که مستقیماً از راه ارتش کودتا کرده به نفوذ رقبای خود پایان داده، افغانستان را تحت سیطره کامل خود در آورد. در این زمینه داود کمک زیادی به روسها کرد. با کمک داود و جناح طرفدار او کودتای ۱۷ جولای ۱۹۷۲ صورت گرفت. اما نتیجه دولت داود در آخر در ضدیت قرار گرفتن با شوروی بود، زیرا داود زیر بار سیاست های خشن او نرفته بطرف غرب تمایل پیدا کرد. اما شوروی آرام ننشسته با کودتای ۲۷ آوریل ۱۹۷۸ (۷ اردیبهشت ۱۳۵۷) توهکی، او را سرنگون ساخته و یک دولت سگ زنجیری خود را جایگزین آن نمودند. سوم: اشغال مستقیم، چون کودتاها یی در پی سوسیال - امپریالیسم روس مقاومت عظیمی از مردم را بر ضد خود شوزاند، تنها راه حفظ افغانستان در دایره تسلط شوروی اشغال مستقیم بود. اشغال مستقیم، جامعه ما را به جامعه کاملاً مستعمره تبدیل کرد و از لحاظ سیاسی نظامی و اقتصادی کاملاً وابسته به سوسیال امپریالیسم روس گردید.

قبل از کودتای ۷ نور هیئت حاکمه از مالکان ارضی، بورژوازی کمبرادور و بوروکراتیک تشکیل میشد و رژیم نماینده آنها بود. پس از کودتای هفت شور هیئت حاکمه افغانستان بیشتر در وجود بورژوازی بوروکراتیک دولتی و وابسته متمرکز گردید و سایر جناحهای وابسته به امپریالیست های دیگر که از کمبرادورها و مالکان ارضی تشکیل میگردد، مجبور به تبعیت شده و مورد ضربه قرار گرفتند. عده ای از اینها بصورت محافل و شخصیت ها خواهان استقلال و اخراج روس ها شده و به جنبش مردم ما پیوستند و برخی دیگر در خدمت دولت درآمده و منافع شان به صورت های گوناگون دوباره از طرف دولت تضمین گردید. چنانچه دولت کارمل میکوشد زمینه سازی را با فئودال ها، کمبرادورها و بوروکراتها هر چه بیشتر وسیعتر سازد. هم اکنون در دستگاه دولتی عناصری از مقامات بسالای دولتهای سابق سبم گرفته اند.

طبقات مجموعه خلق طی این دوره کارگران، دهقانان، خرده بورژوازی - شهری، بورژوازی ملی و همچنین عده ای از ملاکین و شخصیت های است که در جنبش ضد روسی و استقلال طلبانه مردم ما شرکت جسته اند. عمده ترین بخش نیروهای انقلاب افغانستان، دهقانان و خرده بورژوازی میباشد که دهقانان پس از کودتاها و اشغال مستقیم نه تنها از زیر ستم فئودالی رها نشده، بلکه در زیر لایه های دیگر استثمار و ستم قرار گرفتند. خرده بورژوازی نیز دچار ورشکستگی گردیده، استثمار کارگران تشدید یافته و بورژوازی ملی تحت نام "تقویت بخش دولتی اقتصاد" به ورشکستگی کامل کشانیده شدند. بنابراین این طبقات نه تنها از لحاظ اقتصادی در تضاد شدید با امپریالیسم روس میباشند، بلکه طاقانه خواهان استقلال، حق حاکمیت و تمامیت ارضی افغانستان هستند.

طبقه کارگر افغانستان در حدود ۲۰۰ هزار نفر است که بیشتر از همه در

رویدادهای اقتصادی

۲۱ میلیارد تومان سرمایه ملت در بندر عباس بلا تکلیف است

با سفر رئیس جمهور به بندر عباس و بوشهر، مسئله انحلال یا انتقال مجتمع نیمه تمام فولاد بندر عباس دوباره مطرح شد. با وجود اینکه نزدیک به ۱/۵ سال از پیروزی انقلاب میگذرد، هنوز دولت نتوانسته تصمیم قطعی درباره این مجتمع ۲۱ میلیارد تومانی بگیرد. تا سقوط شاه تقریباً نیمی از کارهای این پروژه انجام یافته بود و تا ۱۲ میلیون تومان خرج روی دست ملت ما گذارده بود. قرارداد احداث این مجتمع را ۶ سال پیش رژیم مزدور شاه با شرکت بیانتي ایتالیایی امضاء کرده بود.

طرح این مجتمع به هیچ وجه اقتصادی نیست و تنها یک باج از سوی رژیم شاه به ایتالیا بوده است. با عمق یافتن بحران سیاسی اجتماعی در ایتالیا رژیمهایی چون حکومت شاه و دولت عربستان با اعطای وام و انعقاد قرارداد های کلان سعی کردند مقداری از بار بحران ایتالیا را از دوش سرمایه داران ایتالیایی برداشته و بر کرده ملت خود بیندازند. پس از قراردادهای شاه با ایتالیا هزاران کارشناس ایتالیایی روانه ایران شدند تا به بهانه تاسیس پروژه های صنعتی اولاً شتابی به حرکت میرنده جرخهای سرمایه داری بحران زده ایتالیا بدهند و در ثانی حدودی از انبوهی صقوف بیگاران خود بگازند.

مجتمع ۲۱ میلیارد تومانی فولاد بندر عباس قرار بود سالانه ۳ میلیون تن ورق فولاد تولید کند. یعنی تولیدش به تنهایی ۳ برابر تولید مجتمع فولاد اصفهان میشد که سالهاست روسها در پایان دادش دارند این دست و آن دست میکنند.

آنچه مسلم است اینستکه این مجتمع برای پاسخگویی به ضرورتهای اقتصاد ملی کشور ایجاد نشده بلکه دقیقاً هدفش ریختن پول ملت ما به جیب انحصارات امپریالیستی غرب بوده است. شرکت بیانتي ایتالیا که طرف قرار داد است تا آنجا که توانست رژیم شاه را تیغ زد. بدترین نقطه ممکن را برای تاسیس مجتمع انتخاب کرد تا هزینه اش تا حد امکان زیاد شود. حتی برای تامین آب شیرین این مجتمع قرار بود دهها میلیون تومان خرج شود تا آب شور خلیج فارس به آب شیرین تبدیل شود. شاه مزدور قبول کرده بود که یک سیستم کامپیوتری فوق العاده بزرگ و پیچیده برای این مجتمع از ایتالیا بخرد. این سیستم کامپیوتری بقدری بزرگ بود که در نهایت این مجتمع قادر نبود بیش از یک درصد از ظرفیت این کامپیوتر را بکار گیرد. برای اقدامات تاسیساتی و بهره برداری این مجتمع لازم بود که یک اسکله عظیم با دهها میلیون تومان خرج، ساخته شود. رژیم مزدور شاه حتی قراردادی امضاء کرده بود که سنگ آهن مورد نیاز این مجتمع از معادن کودرکوت هندوستان تامین شود، در حالیکه معادن سنگ آهن در ایران بسیار زیاد است. در حالیکه اگر این مجتمع در جوار مجتمع فولاد و ذوب آهن اصفهان ساخته میشد، بسیار با صرفه تر و ارزانتر تمام می شد. به همین دلیل است که در محافل دولتی بیشتر از صحبت از انتقال این مجتمع به اصفهان میشود تا لغو و رها کردن آن.

میهن ما برای کسب کامل استقلال، نیازمند دستیابی به استقلال اقتصادی است. نیل به استقلال اقتصادی ایجاب میکند که آستین ها را بالا بزنیم، تمام خلق و مجموعه امکانات مثبت را بسیج کنیم و امر بزرگ ساختمان نوین اقتصادی جامعه مان را بیگیرانه به پیش ببریم.

صنایع سنگین جای مهمی در یک اقتصاد مستقل دارند. یک جامعه مستقل و پیشرفته در قرن بیستم نمیتواند جامعه ای صنعتی نباشد. ما نیز برای مستقل شدن نیازمند صنعتی شدن هستیم. صنایع سنگین اگر در ارتباط با نیازهای مجموعه اقتصاد ما بکار افتند، میتوانند بسیاری از نارسایی های زیر بنایی را در امر شکوفایی اقتصاد ملی کشور مرتفع سازند. صنایع ذوب فلز و مجتمع های فولاد از این قبیل اند و اهمیت زیادی برای اقتصاد ملی ما دارند. اما اگر در ایجاد و بهره برداری این قبیل صنایع از نیازهای واقعی اقتصاد ملی مان حرکت نکنیم، مجبوریم در ذوب آهن وابسته به روسیه باشیم و در فولاد وابسته غرب و در تماشان هم ضرر بدهیم.

ضررهای ذوب آهن برای کوچک و بزرگ ملت ما آشناست. مجتمع های فولاد غرب هم درست چنین اند و حتی بخاطر وابستگی شاه به آمریکا وضع بدتری دارند. مجتمع فولاد اهواز، برای نمونه آزمایشگاهی بود که انحصارات امپریالیست غرب در آنجا ایجاد کرده بودند تا با سرمایه داری ایران

روشن روسها در مبارزه علیه مهاجمین و مبارزین افغانی بکار بردن چلیک های (ماده مخصوصی) است که توسط راکت در هوا پرتاب میشوند. این ماده بصورت دهها هزار رسوزن آستین مانند رشته های اسپالیتی در فضا پخش میشوند و باعث سوختگی شدید در هنگام تماس با مردم میشوند.

منابع خارجی همچنین معتقدند که اشغالگران روسی از گازهای سمی نیز بر علیه مهاجمین در ایالت "بدخشان" استفاده کرده اند.

این گازهای سمی که فوسجین اکساید نام دارد بگفته یکی از با زماندگان، این گازها باعث پدیدار شدن لکه های قهوه ای بر روی پوست، سپس باعث باد کردن و گنده شدن پوست میشوند. عواقب بعدی آن به گفته پزشکی که یکی از این سیماران را دیده است خونریزی بینی، اسهال، فلج شدن و مرگ است.

مبارزین افغانی زیر شک دارو، بیلاسمای کاسی بیسی بهره اند و از این لحاظ نیز فوق العاده در مضیقه اند. پیر مرد شصت ساله ای که دهکده شان در ایالت بکتیا مورد حمله روسها قرار گرفته بود بعلت زخمی شدن با هایش در یکی از در مانگاهای ابتدایی خارج از پشاور پاکستان بستری بود. وی که یک دختر ۱۶ ساله اش در اثر این حملات کشته شده است، با روحیه ای عالی به یکی از خبرنگاران اظهار داشت: "وقتی بهبودی حاصل کرده به افغانستان بر میگردم و تقاضای خود را از روسها میگیرم."

رویدادهای جهان

تا آخرین نفر و تا

آخرین فشنگهای جنگیم

اینکه دوهلی کویترسربازان کمکی را پیاپی کرده اند مهاجمین آنها را زیر آتش همه جانبه خود گرفتند و همه را از پای در آوردند. بگفته خبرنگاران خارجی که از افغانستان دیدن کرده اند جنگ ارتش مکه نیزه روس که یکی از بیرحمانه ترین و وحشیانه ترین جنگهاست باعث خسارات و تلفات جانی زیادی برای مردم افغانستان شده است. حملات هوایی و تانکها دهکده های زیادی را با خاک یکسان کرده اند. ارتش اشغالگروس و مزدوران افغانی شان مزارع گندم را بکلی زبین میبرند و طیور و گوسفندان، بزها و گاو میشها و سایر دام ها را میکشند. در دهکده "بادیل" در استان "ننگهار" پیرزنان، پیر مردان و کودکان پس از حمله روسها در جاهای آب و تونلها تکیه جاها را بهم وصل میکنند پنهان میشوند، روسها هوا پیما های جنگنده و میگ و علی کویترهای توپسدار را بکمک میطلبند و در اثر بیسب باران و پرتاب راکت در جاهای کلبه مخفی شدگان زنده بگور میشوند. یکی از بیرحمانه ترین

تصور میکنند در ندمقا و مست این مردم جان برکف و آماده شهادت را با ارتش مکه نیزه و مدرن خود از پای در آورند. مهاجمین و مبارزین افغانی نه تنها دردهات و مناطقی کوهستانی و راهها به نیروهای اشغالگروس حمله میکنند بلکه روسها در شهرهایی مانند کابل و هرات نیز از حملات و ضربه های مردم و مبارزین ممنون نیستند.

روسها علیرغم ارتش منظم و قدرت زیاد آتش توپخانه و دارا بودن انواع سلاحهای مدرن و پیشرفته در برخی از این درگیریها متحمل تلفات سنگینی شده اند. در دره "بنج شیر" واقع در شمال کابل پس از زد و خورد شدیدی که بین نیروهای مهاجم روسی و چریک های مهاجمین روسی داده ۲۱۶ سرباز روسی کشته، دوهلی کویتر توپسدار "ام آی ۲۴" سرنگون و تعدادی تانک از کار افتاده در استان بدخشان که صحنه شدیدترین زد و خورد ها است اخیراً گروهی از مهاجمین عده ای از گشتی های تجسی روسی را متوقف کردند و منتظر دوهلی کویترها را در آنجا شدند، بمحضر

خلق دلاور افغانستان دارای سنن مبارزاتی بس طولانی اند، آنها با دست خالی اما با رشادت و جانشانی ۶۰ سال پیش اشغالگبران و استعمارگران انگلیسی را از خاک مقدس خود بیرون راندند این ملت غیوراً امروز نیز کشته دجارتجا و زابرتقا و امپریالیسم نواخته دیگری چون روسیه است سنن پرافتخار خود را زنده میکند

تزارهای نوین با بیش از صد هزار سرباز انواع و اقسام تانک و هوا پیما، هلی کوپتر و سایر سلاحهای مدرن جنگی دست به سرکوب و کشتار مردم بیگناه افغانستان زده است. اما جنایات و بیبندگی های فاشیست های خود خوار روسی تنها راه خلق را در مبارزه و استقامت استوار تر خواهد کرد. به گفته پیرمردی که دارای یک کلبه و یک پای جلاق و شاهداین مدعاست. وی گفت که شصت و یک ساله است، محمدیونس خالصی نام دارد و سالها در مسدازس افغان بیدریس اسلام اشغال داشته است. او رهبری گروهی از مهاجمین قبیله "پشتون" که از نظر سلاح و لباس خیلی در مضیقه اند را بعهده دارد. این پیرمرد شرایط دشوار مبارزه و جنایت روسها را باین خبرنگاران خارجی تشریح کرد: "ما بوسیله روسها تحت ظلم و ستمیم و توسط آنها کشته میشویم، زنان مسلمان ما توسط روسها مورد تجاوز قرار میگیرند ولی ما تا آخرین نفر علیه اشغالگران روسی می جنگیم." تجاوزکاران روس بیهوده

تظاهرات سیاهپوستان در آزانیا

پلیس فاشیست آفریقای جنوبی بر روی تظاهرکنندگان تیراندازی میکند که در نتیجه یک جوان سیاه پوست کشته و چندین نفر زخمی میشوند. سیاه بوستان، خشمناک با پرتاب سنگ به پلیس حمله میکنند که چندین پلیس نیز زخمی میگردند. در شهر "باتو" نیز دانشجویان سیاه پوست بخوابانها میریزند و سیاه بوستان بگ شنگ سیاه بوستان

در چند سال اخیر مبارزات وسیع توده ای بخصوص اعتصابات کارگران و تظاهرات دانشجویان در آزانیا (آفریقای جنوبی) گسترش یافته و رژیم نژادپرست فوستر را در سطح جهانی در میان افکار عمومی کاملاً منفرد ساخته است. خبرگزاری آسوشیند برس از آزانیا گزارش میدهد که روز پنجشنبه اول خرداد سیاه بوستان بگ شنگ سیاه بوستان

بر اساس اعتراف یکی از فرماندهان ارتش ویتنام در جنگ ویتنام گذشته، ویتنام در کامبوج از گازهای سمی استفاده میکند. این گازها باعث آب آوردن چشم و سوختگی های روی سینه میشود. وی که افسر توپخانه است اظهار داشت که واحدی که خود در آن خدمت میکرد از این نوع گازها



درسهای از

کنفرانس کشورهای اسلامی

همبستگی ایران و آفریقا در جشن سالگرد وحدت آفریقا

پشتیبانی از انقلاب ایران و تشکر از دولت ایران گفت که ما هم مانند شما بایک مشکل روبرو هستیم و آن، نفوذ قدرتهای خارجی در سرزمینمان میباشد. بنابراین این ما شرایط شما را درک میکنیم و مانند شما عضو جنبش کشورهای غیر متعهد میشویم. ایران و آفریقا زبان یکدیگر را خوب میفهمند. مبارزه ما برای کسب استقلال، عدالت، دموکراسی، و آزادیهای اقتصادی و فرهنگی میباشد. در مراسم دیروز جو همبستگی آفریقای بیابا جمهوری اسلامی ایران حاکم بود. شرکت آقای بنی صدر و سخنرانی ایشان در این مراسم نیز بسیار ارزشمند بود. ایران جزئی از جهان سوم است و سرنوشت ایران در گرو اتحاد با این جبهه وسیع و قدرتمند میباشد. ما امیدواریم که این همبستگی هرچه بیشتر در آینده گسترش یابد.

عمر دیروز بمناسبت هفدهمین سالگرد تأسیس "سازمان وحدت آفریقا" و "روز جهانی آفریقا" مراسمی به ابتکار سفیر سومالی در تهران، در هتل هیلتون برگزار شد. در این مراسم آقای ابوالحسن بنی صدر ریاست جمهوری ایران، سفیر کشورهای آفریقای شرقی و گروهی از سفیران سایر کشورهای شرکت داشتند. در ابتدا، آقای شارمانی سفیر کشور سومالی طی سخنانی از کوششهای سازمان وحدت آفریقا برای کسب استقلال و آزادی در هفده سال گذشته اشاره نمود. وی گفت که وجود بیابا از ۴۰۰ میلیون نفر جمعیت در آفریقا، وجود منابع طبیعی بسیار زیاد، شرایطی را فراهم آورده است که اگر قدرتهای بزرگ آفریقای بیرون بروند آفریقا میتواند به یک منطقه صنعتی بزرگ تبدیل شود. سفیر سومالی ضمن

کابل: بزرگترین تظاهرات بعد از اشغال

خیابانها روانه کرد. بنا به گزارش های رسیده در اثر تیراندازی سربازان روسی و مزدوران افغانی شان عدهای زخمی و حدود ۷ نفر کشته شده اند. در این درگیریهای خیابانی قریب بیک هزار نفر نیز دستگیر شدند. تظاهراتکنندگان شعارهایی علیه ببرک کارمل نوکر سرسپرده روس و اشغالگران روسی میدادند. منابع خبری علت اوج

بنا بگزارشات رسیده از منابع خبری جهان و مجاهدین افغانی، روزهای جمعه و شنبه گذشته هزاران نفر از مردم کابل که اکثر آنها را جوانان و کودکان تشکیل میدادند به خیابانها ریختند و بر علیه اشغالگران روسی تظاهرات گستردهای دست زدند. بگفته خبرنگارهای خارجی این تظاهرات یکی از بزرگترین تظاهرات بعد از اشغال افغانستان توسط ارتش تجاوزکار روس است.

طلبی روسهاست چرا که جهان سوم را از نقش تاریخی خود که مقابله با سلطه طلبی دوا بر قدرتست دور میکنند و در خدمت این یا آن ابر قدرت دچار تعارضات داخلی میسازد. در مجامع بین المللی باید با این تاکتیک های مزدورانه قاطعانه مبارزه کرد.

۴- اگر به نتایج کار کنفرانس توجه کنیم متوجه میشویم، بسیاری از کشورهای که از طرف روسیه "مرتجع" خطاب میشوند هم در برابر آمریکا و هم در برابر روسیه قاطعانه موضع گیری کردند، اما درست آنست که از کشورها که "مترقی" نامیده میشوند علیرغم داشتن موضع علیه آمریکا در مقابل ابر قدرت روس شیددا ترزلزل دارند و بر سر مسئله افغانستان بر ضد منافع جنبش انقلابی و بنبغ اشغال نظامی افغانستان توسط روسیه عمل کردند. و درست همین ترزلزل است که آنان را مفتخر به لقب "مترقی" از طرف روسیه کرده است. "پراودا" در تفسیری که بر کار کنفرانس نوشته پاکستان و با اصطلاح کشورهای "ارتجاعی" مسلمان را متهم کرد. که این کنفرانس را بسوی یک موضعگیری خصمانه علیه حل بحران افغانستان راهنمایی کردند و ادامه داده که مخالفت های سوریه لیبی، یمن جنوبی و ساف هیچ شمری نبخشید.

در این تفسیر که تمرکز آن بر روی برخورد کنفرانس به مسئله افغانستان است. تأکیدی بر موضعگیری همه شرکت کنندگان علیه امپریالیسم آمریکا نشده است و با معیار قراردادن مسئله افغانستان، کشورهای اسلامی را که خواستار خروج نیروهای روسی هستند مرتجع و کشورهای را که موافق شناسائی رژیم ببرک کارمل

زد و مشکلات بسیاری برای انقلاب فراهم خواهد آمد. تجربه مثبت کنفرانس اسلامی که هیئت ایرانی با مواضعی روشن و قاطع در آن شرکت نمود، در دستهبندیهای زودگذر و فرصت طلبانه شرکت نکرد، شیوه تکیه روی اصول و انعطاف پذیری روی مسائل فرعی را بکار برد، دستاورد خوبی برای ما و نمونه مثبتی برای آینده دیپلماسی ایران است.

۵- تجربه کنفرانس نشان داد برای داشتن سیاستی منطقی و استوار نباید مرعوب دوا بر قدرت و عواملشان شد. روسیه تلاش زیادی کرد و با تبلیغات فراوان سعی نمود نیروهای استقلال طلب را تحت عنوان "امریکائی" بودن کنفرانس مرعوب سازد (که بسیاری نیز در ایران مرعوب آن شدند). اما جریان عملی کار نشان داد تا چه حد شیادی و عوام فریبی در پس این تبلیغات نهفته بود. اگر ایران بخاطر اعراب تبلیغاتی روسیه در این کنفرانس شرکت نمیکرد، لطامت بزرگی هم بکنار کنفرانس و هم به اهداف انقلاب ما میخورد. نهنه کنفرانس میتواند این چنین استوار روی خط نه شرقی نه غربی گام بزند و ایران میتواند حمایت کشورهای اسلامی را بنبغ خود جلب کند. لذا در اعمال سیاست فعال خارجی از هو و جنجالهای دوا بر قدرت نباید ترسید.

۳- کنفرانس کشورهای اسلامی نشان داد که در جمع آنان گرایشات استقلال طلبانه نه شرقی نه غربی موجود است. کنفرانس نشان داد که عوامل دست نشانده دوا بر قدرت مشتئ بسیار اندک بیش نیستند و در عوض طیف وسیعی از کشورها موجودند که علیرغم برخی تمایلات به شرق یا غرب حاضرند با جنبش های استقلال طلبانه ضد دوا بر قدرت هما هنگ شوند. درست وجود چنین طیف وسیعی است که حضور نیروهای بیاموضع متسحکم نه شرقی نه غربی را در بین آنان ضروری میسازد. بدون شک تماس های دائمی بین این دسته از کشورها، گرایشات

انقلابی از طریق چنین مجامعی میتواند حمایت و پشتیبانی بسیاری از کشورها و بخصوص جهان سوم را جلب نماید و این کاملاً بنبغ انقلاب ما و بضرر ابر قدرتهاست. طرح مسئله اقدامات آمریکا علیه ایران، توضیح حقانیت مواضع ما، قطعنامه متفق الرای کنفرانس بنبغ ایران و علیه آمریکا دستاورد برجستهای برای کشورها و موید این نظر است. ۲- ایران نه تنها باید در مجامع بین المللی حاضر باشد، مسائلش را مطرح کند و توطئه های دشمنان انقلاب ما را خنثی کند، بلکه این حضور و شرکت باید فعالانه و کار ساز باشد. ایران انقلابی میتواند و باید بر جبهه کشورهای جهان سوم، بر کلیه مجامع دیگر بین المللی تاثیر بگذارد. خط نه شرقی نه غربی انقلاب ایران منطبق با گرایشان درست و انقلابی در درون این مجامع است. حاکمیت خط نه شرقی نه غربی بر کنفرانس از جمله مدیون شرکت فعال هیئت نمایندگان ایران بر کنفرانس بود.

۳- کنفرانس کشورهای اسلامی نشان داد که در جمع آنان گرایشات استقلال طلبانه نه شرقی نه غربی موجود است. کنفرانس نشان داد که عوامل دست نشانده دوا بر قدرت مشتئ بسیار اندک بیش نیستند و در عوض طیف وسیعی از کشورها موجودند که علیرغم برخی تمایلات به شرق یا غرب حاضرند با جنبش های استقلال طلبانه ضد دوا بر قدرت هما هنگ شوند. درست وجود چنین طیف وسیعی است که حضور نیروهای بیاموضع متسحکم نه شرقی نه غربی را در بین آنان ضروری میسازد. بدون شک تماس های دائمی بین این دسته از کشورها، گرایشات

پس از خاتمه کنفرانس کشورهای اسلامی و اطلاع همگان از نتایج کاران بسیاری از نیروها که انتظار میرفت به بررسی نتایج کار آن بپردازند یکباره سکوت اختیار کردند و بنظر میرسد ترجیح داده اند تا دیگر چیزی ننویسند. آنان درست آن دسته از نیروهای بی بوده اند که اتفاقاً بیش از همه در حول و جوش کنفرانس مساله مطرح میکردند و در دام تبلیغات روسیه گرفتار شدند. آنها کنفرانس را "امریکائی" لقب دادند و خواستار عدم شرکت ایران در آن شدند.

دلیل سکوت امروزشان بر ما روشن است. این سکوت درست بخاطر روشن شدن درست ادعاهای که ارائه داده بودند و با وجود تعارض عظیمی که بین ادعاهای آنان و نتایج کار کنفرانس که قاطعانه به شرقی نه غربی بود، آنان ترجیح میدهند تا ساکت بمانند و با استفاده از فواید گذشت زمان مسئله را بدست فراموشی سپارند!

اما نباید در برابر چنین سکوتی تسلیم شد. در پس این سکوت بی صداقتی و بی مسئولیتی بعضی گروهها نهفته است. اگر آنان در برابر توده مردم احساس مسئولیت میکردند وظیفه داشتند تا شاهد حاضر یعنی نتایج کار کنفرانس را به خدمت گیرند و صحت و سقم ارزیابیهای خود را محک بزنند و اشتباهات و انحرافات خود را از پیش داوری درکار کنفرانس به عرض مردم برسانند.

ما بجای آنان بار دیگر زئوس درسهای که میتوان از کنفرانس کشورهای اسلامی گرفت مطرح میکنیم. زیرا چنین کاری بر وظیفه و مسئولیتی برای همه گروههای استقلال طلب میدانیم. و هش است که صحنه

روشن است که چنین درسها و تجاربی بکنار وابستگان به دو ابرقدرت نخواهد خورد اما بدون شک برای آن دسته از گروهها که علیرغم داشتن موضع استقلال طلبانه در دام تبلیغات روسیه و عمالش در باره

کنفرانس کشورهای اسلامی گرفتار آمدند، لازم است .

عمده ترین درسهای کنفرانس کشورهای اسلامی چنین است :

۱- آن نظرات سیاسی که موافق انزوای ایران در صحنه بین المللی و خواستار عدم شرکت نمایندگان جمهوری اسلامی در مجمع بین المللی است نادرست است . ایران

ناسالم در بین آنان را تضعیف و موضع مستحکمتری را برای آنان به ارمغان خواهد آورد. نظریاتی که کشورهای جهان سوم را به خاطر ضعفها و تزلزلتشان بکمره وابسته به این یا آن ابرقدرت میدانند نادرست و انحرافی و در خدمت نزدیکی چنین کشورهایی به ابرقدرتهاست .

۴- کنفرانس کشورهای اسلامی نشان داد که جمهوری ایران میبایست دارای یک سیاست خارجی مدون، منطقی و استوار باشد بدون داشتن مواضعی روشن منطبق بر واقعیات موجود، ایران انقلابی در صحنه بین المللی دائما بچپ و راست خواهد

بودند را در جبهه دیگر قرار داده است. این ماهیت تبلیغات و تقسیم بندیهای سوسیال امپریالیستی را در چنین مجامعی نشان میدهد. مسئله اساسی برای آنان چگونگی برخورد به روسیه است کسانی که مخالف سلطه طلبی وی هستند "مرتجع" اند. و در این بین "ترقی خواه" نیز کسانی بجز ممالش گران با روسیه نیستند!

اینها هستند رئیس و سران مطالبی که میتوان از جریانی که کنفرانس کشورهای اسلامی آموخت، توجه با این نکات میتوان دید که ایران را در صحنه بین المللی بیش از پیش در خدمت انقلاب جهانی در آورد.

آقای حسین دلالت باشی

مصاحبه با

آقای حسین دلالت باشی از نمایندگان متعدد اسلام مبارز است و باخاطر خصوصیات برجسته مورد علاقه زیاد توده های مردم است . در زیر متن مصاحبه خبرنگار "رنجبر" با آقای دلالت باشی را که در حال حاضر مسئول دفتر همکاری های مردم با رئیس جمهور در اصفهان است راجع می کنیم . باخاطر تراکم مطالب این مصاحبه در دو شماره به چاپ خواهد رسید .

س : ممکن است کمی راجع به خودتان و مبارزاتتان در دوران انقلاب برای خوانندگان رنجبر شرح دهید ؟

ج : بسم الله الرحمن الرحيم من طی دوران تحصیلم در دانشگاه اصفهان مبارزات خودم را بر علیه رژیم پهلوی به عناوین مختلف شروع کردم . گروهی بودیم که با دستیاری خود بچه ها اعلامیه هایی را چاپ می کردیم و در دسترس مردم قرار می دادیم و ۲ بار دستگیر شدم که به وسائل مختلف مرا آزاد کردند .

بعداً ما هم با گروههای بیشتری کارمان را دوباره شروع کردیم بطوریکه در پیام هایی که امام برای ایران می دادند نقش خیلی موثری داشتیم در پخش آن در سطح ذوب آهن . تا اینکه در شب ۵۷/۹/۱۳ که ساعت ۸ حکومت نظامی شروع می شد ،

که در بیمارستان نسبت به آقای بنی صدر کرده بودم دلم می خواست که رئیس جمهور بشود . خوب با شناختی که از شما داشتم فعالیت خودم را شروع کردم در جهت شناختن این مرد به مردم اصفهان ، سپس ستادی تشکیل دادیم برای تبلیغات دکتر بنی صدر ، ستاد ما گالری گل بود و فکر می کنم خیلی موثر بود در جهت شناختن بنی صدر به مردم اصفهان و دهات آن .

بعد از انتخاب پیروزمندان بنی صدر به رئیس جمهوری بنابه دستور بنی صدر ستادهای تبلیغاتی تبدیل به دفتر همکاری های مردم با رئیس جمهور شد تا مردم خیلی سریع بتوانند مشکلات خودشان را با رئیس جمهور تحقیق داشت و در سطح ایران دائما تحقق می شد و به نظر من مهمترین کاری بود که بنی صدر کرد و من او را یک مرد قدرتمند و با فکر و آزاده می شناسم چونکه به تمام گروهها اجازه فرصت این را داده که نظراتشان را بیان کنند و با اینکه بسیار گرفتار است می نشیند در بحث ها و باحوصله زیاد و با تحمل خیلی زیادتر از حد

گروههای مخالف را می پذیرد . به نظرم گروههای مخالف باید پیشنهاد های خودشان را بمنصه ظهور برسانند که آیا با بیانشان می توانند در جهت انقلاب باشند یا نه بهر صورت من آقای بنی صدر را یک فرد آزاده می دانم و اگر نیروهای خودکامه بگذارند این مرد مسیر خودش را برود و تضعیفش نکنند بزرگترین کشور آزادهای خواهیم داشت که در سراسر جهان آن را نخواهیم دید . من نمی گویم فقط گروههای اسلامی بودند که این انقلاب را به ثمر رساندند ، با کمک تمام گروهها و ایدئولوژیهای مختلف این انقلاب به ثمر رسید . و اما ما باید این را قبول کنیم نقش روحانیت مبارز در این انقلاب خیلی موثر بود ، نقش رهبری امام خمینی که هیچ درش شبهه و شکی نیست . حالا جای آینده در جهت تضعیف آن چرا ؟ این چراها را کی باید جواب بدهد . گروههایی که خود کاهه هستند می خواهند به کجا بروند ؟ به نیستی و فلاکت ؟ بعد از عمری رنج و شکنجه و آزار و اذیت دومتبته برویم به سوی رنج ، برویم به سوی بیرحمی ها و شکنجه ها ، نه من فکر نمی کنم . ادامه دارد ...

کبری تظاهرات را بر بوده شدن دختر افغانی توسط سربازان اشغالگر روسی میدانند .

مواضع آلبانی درباره انقلاب ایران

اخیرا دولت آلبانی مواضع خود را در دفاع از انقلاب اسلامی ایران طی سرمقاله ای در ارگان رسمی خود بیان کرده است . در این سرمقاله آلبانی در مورد دسیسه دوا بر قدرت علیه ایران میگوید :

امپریالیستهای آمریکایی تلاش میکنند تمام متحدین خود را علیه ایران متمرکز نموده و با تبلیغات گسترده ای که براه انداخته اند کشور های خاورمیانه را برانگیخته و انقلاب ایران را خدشه دار سازند . سوسیال امپریالیستهای شوروی سعی دارند از موقعیت فعلی برای تحقق مقاصد برتری طلبانه خود سود جسته و با پشتیبانی از ایران افکار عمومی جهان را از هجوم وحشیانه خود بکشور افغانستان منحرف ساخته و آتش

باند کبانوری قهرمان دروغ پردازی و شانناژ

ماری در آستین جمهوری اسلامی

اتمام رسیده و تجاوزگری هر دو ابر قدرت را محکوم نموده است . باند کبانوری این کارگزار سوسیال امپریالیسم روس که در برابر مواضع صریح و قاطع کنفرانس ، اینبار ناچار به "سکوت" شده است . میگوید تا از طریق ایجاد جو بدبینی نسبت به میزبان این کنفرانس ، نسبت به اصل همبستگی کشورهای اسلامی و جهان سومی و بطور کلی نسبت به خط عدم تعهد و عدم وابستگی ، ایجاد بدبینی و شبهه نماید .

مزدوران روسیه روابط ایران و پاکستان را "ماردر آستین پروراندن" میدانند . در جواب این مزدوران باید گفت که نه آقایان مزدور! داشتن روابط دوستانه با یک کشور اسلامی و جهان سومی "ماردر آستین پروراندن" نیست ، اما اعمال ابر قدرت روس را در داخل کشور نگهداشتن مطمئنا ماردر آستین پروراندن است .

